



نشریه ماهانه:  
**3rd Series, Issue 63**  
 سری سوم، شماره 63  
 فروردین ماه 97، Marcj2018

سردبیر: مینو همتی  
**Editor-in-chief: Mino Hemati**  
**Email: minohemati@gmail.com**  
 مدیرمسئول: شراره رضایی  
**Managing editor: Sharareh Rezaei**  
**Email: shararehrezaei.p@googlemail.com**



**مطالب**  
 سخنرانی **مریم محمدی** در مراسم 8 مارس تهران  
**ندای زنان ایران**  
 گفتگوی گزارشگران بمناسبت 8 مارس روز جهانی زن با **مینو همتی**  
 رفتارندم در خیزش دیمه انجام شد، زنده باد هشت مارس روز جهانی زن با حضور گسترده دختران و پسران خیابان انقلاب  
**مصاحبه رهایی زن با ثریا شهابی**  
 مثله کردن دختران، ساقط کردن انسان از زندگی  
**شهلا رضایی**  
 اسلام و ازدواج کودکان  
**سحر بابا سلجی**  
 8 مارس روز جهانی زن در کونتبرگ سوید  
**مصاحبه سحر صامت با معصومه توکلی**  
 نام نقاشی "ریشه در خاک"  
**نقاشی از: مریم رضائی گیوی**  
 گلی ابراهیمی چه ناباورانه از میان ما رفت!  
**مادران پارک لاله**  
 بیاتیه جمعی از فعالین حقوق زنان به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن از تهران  
 گزارش 8 مارس روز جهانی در رشت  
**تشکل یابی زنان: تاریخچه و چشم اندازها**  
 گزارش ها و عکس هایی از 8 مارس روز جهانی زن، در اروپا

سلام عرض می کنم خدمت حضار محترم و تشکر می کنم که دعوت من را پذیرفتید و تشریف آوردید. هشت مارس را برای شما و برای همه کسانی که برای برابری حقوق زن و مرد تلاش می کنند تبریک عرض می کنم و به امید روزی که ما هشت مارس را نه به عنوان روزی که اعتراض داریم برپا کنیم بلکه به عنوان روز پیروزی و برابری حقوق زن و مرد جشن بگیریم. در واقع هشت مارس در جامعه ایران نقش بسیار ویژه ای دارد. کوله بار تاریخی که هشت مارس در ایران با خود دارد از زنان کارخانه شیکاگو تا جنبش حق رای در واقع توانسته با کوله بار تاریخی خودش به زنان کمک بکند تا مبارزات خود را هر چه شفاف تر و روشنتر به پیش ببرند. در پی زمان این چهار دهه ایی که حضور زن به عنوان یک موضوع بسیار چالش بر انگیزی در جامعه ایران مطرح بوده از

**سخنرانی مریم محمدی در مراسم 8 مارس تهران**  
**ندای زنان ایران**



اولین تظاهرات اسفند ماه سال ۵۷ موضوع ۸ مارس و انتخاب این روز به عنوان یک پدیده را نمی توانیم به راحتی از آن بگذریم..

روز های زیادی را برای زنان تحت عناوین مختلف به طور مثال روز مادر تعیین کردند. منتهی زمانی که زنان در اسفند سال ۵۷ روز هشت مارس را برای اعتراض به هجوم گسترده مناسبت ضد زن و ضدیت با زنان که به گونه ای نهادینه آغاز شده بود انتخاب کردند. علت این انتخاب باعث شده که ما بشنویم بسیاری جنبش زنان را به عنوان جنبش ۸ مارس یاد می کنند. به دلیل موازی پیش رفتن جنبش زنان و هشت مارس این روز به عنوان نه به تبعیض آغاز شد و موضوع انتخاب زنان شیکاگو برای اعتراض به نا برابری سبب این شد که این تاریخ تا به امروز برای نه به تبعیض در واقع هشت مارس را مناسب برای روز اعتراض می داند. در مقابل هجومی که این ضدیت با زنان آغاز شد زنان ما روز هشت مارس را با خروش بسیار عظیمی آغاز کردند و در واقع آغازگر یک جنبشی شد که مقابله با این ضدیت در واقع می شود گفت جوانه زد. هر چند که اگر به تاریخ جامعه ی ایران نگاه کنیم موضوع زن همیشه با چالش روبرو بوده و حتی قبل از این چهار دهه ما شاهد برابری حقوق

- گزارش هشت مارس ۲۰۱۸ - بلژیک  
 گزارش از: **سعید محمدی**
  - گزارش هشت مارس ۲۰۱۸ - آلمان  
 شتوتگارت گزارش از: **شراره رضایی**
  - گزارش تصویری هشت مارس ۲۰۱۸ - سوئد/ یوتوبوری گزارش از: **سحرصامت**
- شعر: "شروع انقلاب"  
 شعر از: **مهران رضائی گیوی**
- جان گلرخ **ایرانی در خطر** است بیش از 50 روز اعتصاب غذا  
 خشونت بر زنان چرا و تا کی؟؟؟ **اصغر کامروا**
- صفحه خبری**
- یونیسف: کویا قهرمان حقوق کودکان
  - دهها دختر عفرتی از سوی ارتش ترک ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته اند
- راه های تماس با سازمان رهایی زن و با نمایندگان رهایی زن در هر کشور، فرکانس پخش ماهواره ای در ایران

به نشریه رهایی زن بپیوندید

لطفا برای ارسال مقاله سیاست های نشریه مندرج در صفحه ی آخر را مطالعه بفرمایید.

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.

**Markazi@RahaiZan.org**

زن و مرد نبودیم. هر چند که حجاب اجباری نبود اما تاریخ بسیاری از قوانین امروز ما مثل قانون طلاق و یا قوانین حقوقی ما به سال ۱۳۱۰ بر می گردد..

اما چالش هایی که در این چهار دهه با آن روبرو شدیم ضدیت با زن بسیار نظام یافته و متمرکز صورت گرفته است. از تحمیل حجاب اجباری به عنوان یک نماد اجبار در زندگی زنان این موضوع را بسیار متفاوت تر از سالهای قبل می کند و هشت مارس در واقع ستونی بوده که از سال ۵۷ تا به امروز دور آن جمع شدند و درباره ی آن صحبت کردند جشن میگرفتند از دغدغه های خود سخن می گفتند از مشکلات و خشونت هایی که بر آنان وارد شده می گفتند و این حرکات باعث شد تا مبارزات زنان قدم به قدم متمرکز تر و مطالبات روشنتر و شفاف تر شود لحظه ای نگذاشتند که موضوع زن در جامعه به حاشیه رانده شود. هر چند که مناسبت حاکم تلاش بر این کرده که زن را به عنوان موجودی باید خانه نشین باشد و نه در جامعه حضور داشته باشد و نه مطرح باشد نیرو گذشته و سرمایه گذاری کردند اما در نتیجه موفق نشدند با اینکه همیشه چالش وجود داشته و روزی نیست که شما روزنامه را ورق بزنید و با یک خبر که مربوط به زن است روبرو نشوید به طور مثال مساله ی تحمیل حجاب اجباری و جنگ زنان با این پدیده یکی از تیتروهای هر روز روزنامه است.

به همین خاطر می خواهم بگویم که زنان در مقابل آن هجومی که اتفاق افتاد اگر سکوت می کرد لازم نبود که این همه هزینه و نیرو صرف شود. اما به دلیل اینکه زنان سکوت نکردند هر چند که خروش عظیمی در اسفند ۵۷ اتفاق افتاد اما به دلیل عدم حمایت گسترده جامعه از مطالبات زنان و عوامل پیچیده دیگری که در آن مقطع ما شاهدش بودیم برای همین زنان نتوانستند در آن زمان جلوی این هجوم را بگیرند اما زنده ماندند سر فرد نیاوردند و لحظه ای نبوده که جنبش زنان از خود مبارزه ای را به نمایش نگذارد و روزی نبود که شما شاهد این چالش ها در مقابل زنان نباشیم. بعد از تحمیل حجاب اجباری به زنان و تصویب قوانین بسیار ضد زن و همچنان ترویج فرهنگ ضد زن در جامعه تلاش بر این کردند که زندگی اجتماعی را برای زنان بسیار هزینه بر کنند و در واقع این کار بسیار سنگینی بود که یک زن بخواهد با وجود تمام مشکلاتی که برایش ایجاد می کنند چه از لحاظ شرایط محیطی و چه از لحاظ فرهنگ جامعه، خشونت هایی که جامعه رایج است بتواند دوام بیاورد و بتواند

به زندگی اجتماعی خود ادامه دهد..

در این مدت تلاش بر این شد که زن فقط وسیله ای برای تولید مثل باشد و از طریق فرهنگی که روی آن کار می کردند مانند فیلم ساختن، کتاب نوشتن و کتاب های درسی را به گونه ای که دلشان می خواست تغییر دادند و تلاش بسیار انجام یافته ای را علیه زنان انجام دادند بگویند زن تنها یک کالای جنسی و بسته بندی شده است که مرد می تواند به عنوان یک وسیله از آن استفاده کند و اساسا برای تثبیت این که بگویند موجودیت زن فقط برای این است که مرد راحتتر زندگی کند و و کشتزاری برای مرد باشد. قرار نیست که زن به عنوان یک انسان برای خود زندگی ویژه ای داشته باشد. زن به دنیا آمده تا مرد بتواند راحتتر زندگی کند این هویت نیست که سالها تلاش کردند برای زنان به ثبت برسانند و در مقابل زن حقارت بار ترین قوانین را تصویب می کنند. به طور مثال حق اختیار زنان بر بدنشان و نوع پوشش شان، حق حضانت فرزند از موضوعات بسیار دردناک است. زنی که ۹ ماه جنین را با خودش حمل میکند و در وجود خود پرورش می دهد چون زن است حقی نسبت بچه ندارد و ما زنان به عنوان یک انسان حقی بر فرزندان خود نداریم..

با استفاده از ادبیات بسیار مشعزکننده ضد زن کاری کرده اند که جامعه زن را به چشم اشیاء ببیند. میلیاردها پول در سطح شهرها خرج کردند توی بیلورد های بسیار چندان آور زن را بدون چادر در یک ماشین یا زن را با یک شکلات بدون روکش و زن را با اشیاء و یا صحنه های چندان آور مقایسه می کنند و تلاش می کنند به زنان به قبولانند که تو اینگونه هستی برای همین هزینه های سنگینی را متقبل می شونی تا تثبیت کنند که زن اینگونه است..

در مدارس از شش سالگی دختران را مجبور به داشتن حجاب می کنند. از ابتدایی که وارد مدارس می شوند تمام سیستم آموزشی را در دست گرفته اند تا این را به دختران مان بقبولانند که شما هیچ ارزش اجتماعی ندارید و شما وسیله ای بیش برای مردان نیستید و اگر می خواهید خوب باشید باید به گونه ای که مردتان از شما راضی باشد رفتار کنید وگرنه تو انسان خوبی نیستی. اگر تو ناتوانی تمایلات مردی که قرار است بعدا صاحب شود را برآورده نکنی تو زن خوبی نیستی. زیباترین عواطف انسانی را به کند کشیده اند روابط بین مادر و فرزند را خراب کردند. از فرزندی که شما پرورش می دهید تا برادر و همسر که می تواند نماد یک ارتباط انسانی و خوبی باشد را تبدیل به رابطه هایی کردند که گویا این مردان مانند

زندان بانان باید از این زنان محافظت کنند. دقیقا کنترل زن را به دست بگیرند و به او بگویند کجا برود یا نرود چه زمانی به خندد یا نخندد و در کل می خواهم بگویم کوشش می کنند تا مردان به صورت حاکمان تمامی کنترل زندگی زنان را به دست داشته باشند. اینجاست که میبینی هیچ نشانی از روابط انسانی میان افراد در این فرهنگ باقی نمانده است. یک دختر نمی تواند در کنار برادر خود مثل ۲ انسان از روابط خود لذت ببرد زیرا رابطه میان آنها تبدیل یک جنگ می کنند. زن و اختیار زن و اجبار که به مناسبت بسیار چالش برانگیز مبدل می گردد. چهل سال است که ما شاهد اینم که چگونه با پرداخت هزینه های سنگین تلاش کردند تا این ایده ها را به تصویب برسانند. اکنون ما شاهد چه وضعیتی هستیم؟! مهمترین مساله بی که در طول این سالهای اخیر که خبرش به گوش همه رسیده آمار بالای قیولی دختران در کنکور، از دور افتاده ترین نقاط جغرافیای ایران و یا روستا هایی که حداقل امکانات آموزشی را دارند دختران به نتایج بسیار عالی در کنکور می رسند. ورزش و چالش هایش که در ایران همه شاهد آن هستیم با اینکه هیچ رسانه بی خبر موفقیت های ورزشی زنان و دختران را به آن گونه که باید پوشش نمیدهد اما با این حال خبر موفقیت های چشمگیر بانوان به گوش همه می رسد.

در عرصه ی دستاوردهای هنری نیز به همین گونه هیچ زیرساختی که بتواند به زنان کمک بکند تا بتوانند استعداد های خود را شکوفا کنند وجود ندارد. زنان در ایران واقعا با یک روحیه ی جنگنده برای داشتن یک نمادی غیر از آن چیز که بر آنها تحمیل می شود تلاش می کنند. سالهاست که کوشش می کنند به زنان ثابت کنند که آنها فقط یک وسیله ی ابزاری هستند و قرار نیست آنها هنرمند شوند و یا یک ریاضیدان، موسیقی دان و یا ورزشکار شوی و اینها هیچ کدام قالبی نیست که برای شما ساخته شده باشد.

قرار است که زن فقط یک وسیله ی جنسی آن هم در خدمت مردان باشد و هر خواسته بی که مرد دارد را باید برآورده کند حتی جنسیت زن هم متعلق به خوش نیست و حتی نمی تواند از قوای جنسی خود سخن بگوید چه برسد به اینکه زن بتواند زندگی مستقلی برخوردار باشد. با این حال تمام این سرکوب ها و اتفاقات نتوانسته آن چهره بی را که در جامعه ی امروز ما از زن به نمایش می گذارند را به خود زنان بقبولانند. زنان ما سربلند و با دستاوردهای بسیار چشمگیری خود را به جامعه و تمام قوانین ضد زن

ادامه در صفحه ی 12

**گفتگوی گزارشگران بمناسبت 8 مارس روز جهانی زن با مینو همتی روزنامه نگار و فعال جنبش زنان**



مسئله تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی صرف زن بودن شما را به شهروند درجه دو تبدیل میکند و بطور اتوماتیک از مزایای شهروند درجه یک بودن محروم میکند. از اینرو فارغ از موقعیت و جایگاه طبقاتی، شما ملزم به مبارزه با نابرابری خواهید شد. هرچند در طیف دانشجویی و روشنفکری با شرکت وسیعتر زنان در عرصه علم، دانش و اندیشه توازن قوا علیه مردسالاری و بنفع برابری طلبی تغییر کرده و ما شاهد حضور مردان آزادیخواه و برابری طلب در سنگرهای جنبش رهائی زن هستیم. لیکن زنان طبقات محروم کماکان با تبعیض در خانه و جامعه هردو دسته پنجه نرم میکنند. زنان کارگر و زحمتکش با اینکه در صف مقدم مبارزه برای زندگی بهتر، آزادی و برابری قرار دارند کماکان برای مشارکت در سوخت و ساز رهبری مبارزه طبقاتی خود با موانع فرهنگی مردسالارانه روبرو میشوند که امیدوارم با درهم آمیختن و پشتیبانی بخش روشنفکری جنبش رهائی زن بتوان بر این کمبود فائق آمد.

**گزارشگران:** چه تعریف مشخصی از روز جهانی زن دارید؟

**مینو همتی:** مهمترین مشخصه روز جهانی زن از نقطه آغاز توسط تشکل زنان سوسیالیست این است که در تداوم جنبش زنان کارگر نساجی های نیویورک ارتقاء سطح معیشت و کار زنان زحمتکش و همچنین مبارزه برای حق رای و سایر حقوق اجتماعی کلیه زنان و پایان دادن به موقعیت فرودست و شهروند درجه دو بودن در سر لوحه جنبشی جهانی قرار گرفت. از نظر من جا انداختن سنت ماکزیالیست جنبش هشت مارس که بستر اصلی جنبش رهائی زن در ایران اسلامزده و علیه حکومت زن ستیزش و فرهنگ مردسالاری بوده و هست، افق روشنی را برای نسلهای امروز و فردا ترسیم میکند.

**گزارشگران:** شما جنبش زنان را چگونه تعریف می کنید و فکر می کنید چه افشار و

بکار کردن نیروی کار امروز و پرورش کودکان برای فرستادن به بازار کار بردگی مزدی فرداست بعهدہ زنان گذارده شده.

و هرگاه چرخه تولیدشان نیازمند نیروی کار زن در کارخانه و مدارس است با حقوق بسیار کمتر از مردان آنان را بکار میگیرند. از نظر من ستم جنسی با اینکه قدمت تاریخی دارد، لیکن در نظام سرمایه داری منفعت اقتصادی متمایز دارد و قابل ذکر است که علاوه بر اینها در نظامهای سرمایه داری اسلامی مانند ایران زن تبدیل به برده جنسی رسمی و قانونی نیز شده است.

**گزارشگران:** آیا جنبش زنان به عنوان یک جنبش اجتماعی خواهد توانست به نابرابری زنان در جامعه خاتمه بدهد؟

**مینو همتی:** جنبشهای اجتماعی در طول حیاتشان دو کار عمده انجام میدهند. اول اینکه هر روزه فعالین بیشتری را به صف مبارزه برای اهداف مشترک جذب میکنند و در کوره مبارزه آبدیده میکنند و باعث گسترش و استحکام و تداوم جنبش میشوند. دوم اینکه نظامهای حاکم را به عقب نشینی وادار میکنند و سنگرهای تازه ای را بدست میآورند. کسب حق رای زنان و سپس کسب حق رای و برابری حقوق شهروندی سیاهپوستان در آمریکا که ماحصل جنبش های اجتماعی بود نمونه های خوبی را نشان میدهد.

مسئله تا برچیدن نظامهای استثمارگر، جنبش زنان صرفا میتواند سنگرهای بیشتری بدست آورد و شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی زنان را بهبود بخشد و در مسیر دستیابی آزادی و برابری کامل با جنبشهای دیگر از قبیل کارگران و روشنفکران همگام باشد.

**گزارشگران:** وضعیت زنان کارگر را تحت تاثیر بحرانهای اخیر چه در سطح جهانی و چه ایران دستخوش چه تغییراتی شده است؟

**مینو همتی:** زنان طبقت زحمتکش بار اصلی عواقب مصیبت بار عملکرد و سیاستهای نظامهای حاکم را ، از عواقب جنگ و ویرانی، رکود اقتصادی، تورم و فقر و فلاکت بر دوش خود میکشند و در مبارزه برای تغییر این شرایط مصمم هستند و در سراسر جهان نشان داده اند که اگر شرایط مناسب باشد از تشکل پذیرترین افشار اجتماعی هستند و خوب میدانند که چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است و این وحدت حتماً مردان آزادیخواه و برابری طلب را هم شامل میشود.

طیف هایی از جامعه کشور ما را شامل میشود؟

**مینو همتی:** مسلمان تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی صرف زن بودن شما را به شهروند درجه دو تبدیل میکند و بطور اتوماتیک از مزایای شهروند درجه یک بودن محروم میکند. از اینرو فارغ از موقعیت و جایگاه طبقاتی، شما ملزم به مبارزه با نابرابری خواهید شد. هرچند در طیف دانشجویی و روشنفکری با شرکت وسیعتر زنان در عرصه علم، دانش و اندیشه توازن قوا علیه مردسالاری و بنفع برابری طلبی تغییر کرده و ما شاهد حضور مردان آزادیخواه و برابری طلب در سنگرهای جنبش رهائی زن

هستیم. لیکن زنان طبقات محروم کماکان با تبعیض در خانه و جامعه هردو دسته پنجه نرم میکنند. زنان کارگر و زحمتکش با اینکه در صف مقدم مبارزه برای زندگی بهتر، آزادی و برابری قرار دارند کماکان برای مشارکت در سوخت و ساز رهبری مبارزه طبقاتی خود با موانع فرهنگی مردسالارانه روبرو میشوند که امیدوارم با درهم آمیختن و پشتیبانی بخش روشنفکری جنبش رهائی زن بتوان بر این کمبود فائق آمد.

**گزارشگران:** آیا زنان با رفع ستم جنسیتی خواهند توانست به برابری کامل دست یابند؟

**مینو همتی:** مسلمان تا جامعه طبقاتی است و استثمار انسان از انسان پایه سوخت و ساز آن جامعه است، صحبت از برابری کامل هم نمیتواند مطرح باشد. لیکن رفع ستم جنسی و ختم نابرابری جنسیتی گامیست در متحد کردن صفوف طبقات استثمار شده و نیروئی قابل اتکا برای پایان دادن به نظامهای استثمارگر که پاسدار بردگی مزدی و جنسی هستند. آنگاه برپائی جامعه ای انسانی فارغ از هرگونه نابرابری و تبعیض میسر است.

**گزارشگران:** منشاء ستم طبقاتی زنان را چگونه توضیح میدهید و چه تفاوتی بین ستم جنسی و طبقاتی است؟

**مینو همتی:** در این فرصت کوتاه مجال پرداختن به تاریخچه ستم بر زن از بدو پیدایش جامعه طبقاتی نیست. لیکن در قرن معاصر و با چیره شدن نظام سرمایه داری و استقرار بردگی مزدی و چیره شدن نظام سرمایه داری بر جوامع ماقبل خود. ستم طبقاتی برزن متضمن سودآوری بیشتری برای نظام سرمایه داری است. از کار بی دستمزد و مزایای خانگی که وظیفه آماده

**رفراندم در خیزش دیمه انجام شد، زنده باد هشت مارس روز جهانی زن  
با حضور گسترده دختران و پسران خیابان انقلاب  
مصاحبه رهایی زن با ثریا شهابی**



دختران خیابان انقلاب نوک کوه یخ اعتراض بحق اکثریت غریب به اتفاق زنان است، اعتراض به حجاب و کلیه قوانین زن ستیز و مبارزه برای رسیدن به آزادی و برابری، لذا روز جهانی زن هشتم ماه مارس امسال از اهمیت خاصی برخوردار است. شعار نه به حجاب و زنده باد آزادی و برابری از هم اکنون قابل شنیدن است. در برنامه امشب در گفتگو با ثریا شهابی از مبارزان مارکسیست و فعال حقوق زنان و کودکان به بررسی اهمیت روز جهانی زن در شرایط امروز ایران و مسائل مرتبط میپردازیم.

**مینو همتی:** قبل از هر چیز ضمن تقدیر از شهامت دختران خیابان انقلاب و چالش علنی و عملی حجاب یعنی حربه ای که رژیم اسلامی برای کنترل رفتار اجتماعی زنان بکار گرفته است را بررسی کنیم، نظر شما را در مورد مباحث پیرامونی این حرکت چیست؟

**ثریا شهابی:** حرکت دختران خیابان انقلاب، هر چند که در ظاهرش ملایم تر از حرکات قبلی است، مثلاً آنجا که مردم ماموران حفظ رعایت حجاب که به زنان گیر میدادند را زیر مشت و لگد قرار می گرفتند و فراری می دادند. ولی در مقطعی این حرکت جلو آمده و به شکلی که جلو آمده، خیلی رادیکال و خیلی تعرضی ست. این یک اعتراض دفاعی نیست که خواهان این باشد که فشار نیابرد. یک خرده از فشارهای فرهنگی را کم کنید، از جنس به اصطلاح اعتراض های قانونی که مدتها جریان داشته، بخصوص در محافل قدرت. این یک اعتراض از پایین است که حق خودش را به زور خودش دارد می گیرد. به درجه ای، یک گوشه کوچکی

هست از این که دارد حق خودش را تحمیل می کند، حق انکارناپذیر خودش را تحمیل می کند. فقط معترض نیست به نیروی خودش اعتماد دارد و نیروی خودش را به کار می برد و حجاب را بر می دارد، بدون اینکه با کسی درگیر شده باشد. بدون اینکه در اعتراض به تحمیل حجاب باشد راساً خودش حجاب خودش را برمی دارد.

مقایسه بکنید این را با وقتی که زنی، وقتی که بهش اعتراض می کردند، تعرض می کردند، مردم اعتراض می کردند که چکار می کنید با اذیت نکنید. آن حرکت دفاعی بود، هر چند که می توانست خیلی میلیتانت هم به نظر بیاد. این حرکت دختران خیابان انقلاب دفاعی نیست بلکه یک حرکت تعرضی ست. هنوز کسی بهش حمله نکرده، حجابش را بر می دارد. این نشان دهنده یک نیروی آماده است که من آماده ام با نیروی خودم با زور خودم حق را بگیرم. به هر حال این حرکت دارد می گوید من منتظر گفتمان های بی ملات و مسخره درون حکومتی و یا به اصطلاح مقاومت در برابر دستگیری و یا به نیال اصلاح طلبان افتادن که برویم گفتمان کنیم که حجاب اختیاری ست و کجا اجباری ست و کجا نیست. آنها گفته اند که منتظر اصلاح طلب ها نمی نشینند که با رجوع به قانون اساسی و جلب نظر به اصطلاح لطف و مرحمت بخشی از مراجع تقلید، که می خواهند مردم را به انتظار و چشم به بالا نگه دارند. آمده و با قدرت خودش می گوید که من کار برداشتن حجاب را خودم انجام می دهم. این فاکتور خیلی خیلی مهمی هست.

شما در مورد مباحث صحبت کردید، مباحثی که مطرح است، یکی از مباحثی بیرونی و شاید مهمترین آن، این سمفونی مشترکی ست که رسانه ها و دولتهای غربی و رسانه های دولتهای غربی و کل طیف اصلاح طلب و رسانه های حاکم راه انداخته اند که می خواهند خبر حمایت از اعتراض دختران در خیابان را نشان بدهند و خبرش را در مورد حجاب پخش بکنند، یکدست و هارمونیک و اینکه همه شان تاکید غلیظی بر این دارند که این اعتراض به حجاب اجباری ست نه به حجاب، و خیلی تاکید ویژه ای بر آن دارند. به نظر میاید که بالاخره این زیرکی و آب زیر کاهی ویژه ای هست، معلوم است که

چه دارند می گویند. از بی بی سی و رادیو فردا و خانم و آقای اصلاح طلب که به فرستادن مردم دنبال نخود سیاه مشغول هستند و اینکه به قانون اساسی رجوع کنید. اینکه در قانون اساسی هیچوقت نگفته است که هیچ اجباری در حجاب است. و این حرکتی که سرتاپا علیه قانون اساسی است علیه حکومت و مجریان آن است را به مبارزه در تغییر بر مبنای قانون اساسی محدود کردن است. همین استفاده کردن و تاکید گذاشتن بر اینکه این حرکت، نه به حجاب اجباری است. گویا حجاب اختیاری در ایران برایش مشکل هست، و این فقط حرکتی هست با اتکا به قانون اساسی و تاکید بر آن اجباری بودنش هست، این تنزل دادن این حرکت است، این واقعیت ندارد. این حرکت سمبلش حجاب است و علیه تمام تعرضهایی ست که مبنای اسلامی دارد و حجاب سمبلش است و یک آپارتاید جنسی را چهل سال است که بر مردم ایران حاکم کرده است.

به هر حال این گفتمان، اینطور دارد وانمود می کند که در خود بنیاد قانون اساسی، حجاب اجباری نیست و این، این شانس را می دهد که مراجع با آن تفاسیری که خانم های اصلاح طلب، گویا شیوخ و مراجع اسلامی به اصطلاح معتبرتری از آیت الله ها هستند و اینها می توانند تفاسیری از اسلام را بیاورند و بر جامعه حاکم بکنند که با تکیه بر قانون اساسی این جنبش را به کانال تصحیح قانون اساسی ببرند. طوری وانمود می کنند که گویا کسی خبر ندارد در قانون اساسی، تمام سوخت و ساز فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ایدئولوژیک جامعه باید بر مبنای اسلام باشد، اسلامی که در آن، زن نصف مرد است و برده مرد است و تمام قوانینی که قران در مورد روابط زن و مرد نوشته است، باید مبنای آن، رنگ خود را بر تمامی قوانین اجرایی بزند. در نتیجه، حجاب باید بخشی از قانون اجرای مبانی اسلام در ایران باشد.

اینها با این زیرکی، یک تفسیر من درآوردی می آورند از رابطه حجاب و اسلام و اینکه این شاخه دیگری است و شکل بروز دیگری از همان اسلام خوش خیم است که قبلاً خانم عبادی و طیفی از اصلاح طلبان، خیلی تلاش کردند که اسلام با حقوق زن منافاتی ندارد و در قانون اساسی چیزی در مورد این به اصطلاح تعرضاتی که به زنان می شود نمی گوید. این حرکت دختران خیابان انقلاب در مقابل این گفتمان ها و این تلاش هاست، تلاش سیستماتیک اصلاح طلبان و سانه های داخلی و رسانه های اصلی دول غربی در حمایت از اصلاح طلبان در داخل ایران برای تاکید بر اینکه این حرکت، حرکتی علیه

حجاب اجباری است، با تاکید بر حجاب، محدود کردن و منحرف کردن و به سمت اینکه گویا ملت بر تاکید بر قانون اساسی، بخواهند علیه حجاب اجباری مبارزه بکنند. که اینچنین اتفاقی نمی افتد. قانون اساسی، سرتاپاش، ضد زن است، بر مبنای اسلام است و حجاب نتیجه مستقیم آن است. به هر حال این تلاشی ست که اینها می کنند، این یکی از گفتمان هایی هست، گفتمان های ریاکارانه و زیرکانه که باید افشایش کرد. و واقعیت را باید گفت که جداسازی که از شهر و مدرسه و بیمارستان تحمیل شده است، عین جداسازی ای است با آپارتاید نژادی که در آفریقای جنوبی شده است. اگر بحث اجبار و اختیاری هست در مورد حجاب، دقیقاً مانند این است که گفته بشود در آفریقای جنوبی، جنبش ضد آپارتاید نژادی خودش را اینطوری معرفی کرده که بردگی سیاهان بیچاره، اجباری نباشد و مبارزه آنها برای همین است، اجازه دهید که اختیاری باشد. اینکه هر کسی خواست بردگی خودش را و جدایی خودش را از سفیدان به اختیار خودش انتخاب بکند. چقدر این تصویر مضحک است، بحث حجاب اجباری و اختیاری به همان میزان مضحک است حجاب در ایران انتخاب فردی هیچکس نیست، قانون زور است. وقتی به قدرت رسید که زنها قیلس اجازه داشتند که حجاب داشته باشند یا نداشته باشند. گویا این چهل سال، کسانی که حجاب داشته اند مشکلی داشته اند و یک بخش کوچکتری هست که می خواهد اختیاری باشد این فریبکاری را باید گذاشت کنار همان الگوی آپارتاید نژادی که در آفریقای جنوبی بوده اگر بحث اینکه اختیاری و اجباری بودن آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی معتبر است بحث حجاب اجباری و اختیاری هم در ایران معتبر است. حال اگر یک محله ای سیاهان رفتند و با هم زندگی کردند و سفیدها هم با هم، دیگر اسم آن را آپارتاید نمی گذارند. اگر کسی به اختیار رفت روسری سر کرد نه حجاب، روسری با حجاب فرق دارد. روسری ای که ممکن است بخشی از فولکلور یک مردمی باشد. وقتی که کسی خودش انتخاب کرد مثل این می ماند که بالاخره یک محله سیاهان تصمیم می گیرند که با هم زندگی کنند. این با آپارتاید نژادی علیه سیاهان فرق می کند.

بحث حجاب اجباری و حجاب اختیاری، منحرف کننده ست و بردن این حرکت به این عظمت که همه حقش را به نیروی خودش می خواهد بگیرد و میداند که دشمنش کیست توی کانالهای پیچ در پیچ تغییر قانون اساسی و با تکیه بر اینکه قانون این را نگفته است. اینها با تفاسیر بخشی، مانند اینکه خمینی

گفت. حاکمیت ارتجاع اسلامی یک رکن به قدرت رسیدنش و در قدرت ماندنش حجاب بود. حجاب سمبل این آپارتاید جنسی در ایران است. اختیار و غیر اختیار چیست؟ هر وقت برداشتند، خوب بالاخره لابد این خانمهایی که روسری سرشان هست رویشان نمی شود و خجالت می کشند و خودشان را قایم می کنند شال و کلاه می کنند که حق ما چی می شود آنهایی که در قدرت هستند و کلی به ضرب و زور تئوری فاطمه فاطمه است و تئوری هایی که خانم زهرا رهنورد نوشته است حجاب تو ناموس ماست و استخوان شهادت و حالا تعبیرش بکنند که فقط یک لباس است. نه لباس است نه اختیاری و اجباری بودنش موضوع است، جوک است، مسخره است و باید آن را وسیعاً افشا کرد این اصلی ترین گفتمانی است و این جنبش در مقابل این گفتمان است. این جنبش علیه نابرابری زن و مرد است که در تاریخ و پود جمهوری اسلامی، از کوچه، خیابان، مدرسه، بیمارستان، مرگ، زندگی، حق ارت و از تمام اینها در هم تنیده ست باید جلو سر در آوردن مجدد اصلاح طلبی به این طریق را گرفت باید این گفتمان را افشا کرد این عوام فریبی ست.

**مینو همتی:** با توجه به کثرت جمعیت جوان کشور، رگه های عمیق آزادیخواهی و برابری طلبی در زنان و مردان جوان جامعه ما مشهود است، بنظر شما هشت مارس امسال میتواند شاهد نمایش اعتراضی دختران و پسران خیابان انقلاب در تمامی محلات و اماکن عمومی سراسر کشور باشد؟ بالاخره این کوه یخ خود را در گرماگرم مبارزه نمایان میکند.

**ثریا شهابی:** به نظر من هشت مارس امسال در شرایط کاملاً متفاوتی دارد برگزار می شود از خیزش دی ماه به بعد و به دنبال آن گسترش حرکت علیه حجاب در شرایط دیگری دارد برگزار می شود هر ابتکاری که فعالین رادیکال و بخصوص سوسیالیست انجام بدهند حتی اگر اشکال سالهای قبل را داشته باشد انعکاسش در شرایط امروز به مراتب بیشتر است و تأثیرش توی تغییر توازن قوا بین ارتجاع حاکم و بین ارتجاع ضد زن حاکم و جنبش رهایی زن، تأثیر و انعکاسش صدها برابر بیشتر است. به این دلیل نباید به کم و کوچک قناعت کرد باید به عقب نشینی هایی که این جنبش از پایین تحمیل کرده از جمله اینکه نمی توانند با این پدیده کنار زدن حجاب و تعرضی که دارد از پایین می شود کاری بکنند و با کردن هایی که خامنه ای گفته و حتی بخشی از اصلاح طلبان به اصطلاح سرنگونی طلبی و فراندومچی پیوستند باید بیشترین استقده را

کرد و ارتجاع را عقب زد ارتجاع ضد زن را عقب زد دشمنان آزادی و برابری زن و مرد در موقعیت ضعیفی هستند و این روزا وقت بلند کردن پرچم های ماکسیمال است پرچمهایی ماکسیمال و رادیکال هرچه بیشتری از این فعالین و معترضین را متشکل بکند در هر جایی که بتواند و سنگرهای بیشتری را تسخیر بکند. من خوش بین هستم کوه یخی که شما اشاره می کنید در حال ذوب شدن است باید فعالین و دست اندرکاران، راه اینکه چطوری راه پیشروی به این ذوب کامل را پیدا کرد باید راهش را پیدا کنند. یکی از همین راهها، مقابله با آن حرکت تقلیل گرایانه ای است که در حمایت رسانه های غرب و در انحصار رسانه های داخل، بخشی از اصلاح طلب ها دارند می کنند و آن باز این بحث حجاب اختیاری است. به هر حال ریشه این توی موقعیت خانمهای محجبه دستگامی است که یک عمر منشأ تحمیل حجاب بودند و امروز به دنبال این هستند که فردا که حاکمیت و نظامشان بر باد برود رویشان نشود کسی مانع شان نشود با سمبل این حاکمیت توی کوچه و خیابان پیدایشان بشود مگر اینکه هیچ کس که خواسته باشد حجاب سر بکند نه تنها ممنوع نیست که به زور سر بقیه هم حجاب کرده، این جریان سیاسی که حجابش آزاد بوده به زور چماق و قمه و آیات قران و بگیر و ببند و کشتار وسیع تحمیل کرده است. باید به تقابل این بحث رفت یک راه که پیش رو هست این جنبش از پایین علیه تمام قوانین ضد زن است فاصله اش را از جریان اصلاح طلب قانون اساسی چی که رفته پشت حجاب اختیاری و اجباری بگیرد. قانون اساسی سرتاپاش ضد زن است مبنای قانون اساسی اسلام است، در تمام رگ و ریشه فرهنگ و اقتصاد و سیاست خودش را تحمیل کرده است در مورد مساله اقتصاد نتوانسته است بالاخره عقب نشینی کرده است چون جامعه سرمایه داری ست. ولی در مورد مناسبات انسانی و روابط اجتماعی نیمی از آن جامعه را، سه نسلش را، زندگی کودکی و جوانیش را تباه کرده است جداسازی و آپارتاید جنسی را که تحمیل کرده است منشأ آن حکومت اسلامی است و این رگه جدید اسلاميون که متکی می شوند به قانون اساسی و می خواهند ورژن جدید و تفسیر جدید و آیت الله دیگری را بیاورند و تحمیل بکنند که توی قانون اساسی گفته نشده و بیابند به اتکا به قانون اساسی بلکه حجاب را اختیاری بکنند این اتفاق نمی افتد. حجاب اگر در ایران لغو بشود حکومت اسلامی دیگر موجود نیست.

ادامه در صفحه 10 ی

**مثله کردن دختران، ساقط کردن انسان از زندگی**

شهبلا رضائی کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی و دانشجوی دکترای روان شناسی عمومی



وقتی با کژال صحبت می کردم، درد و غم ، اضطراب و نگرانی در چشمانش موج می زد. و با اینکه سال ها از آن موضوع گذشته بود با یادآوری آن تمام بدنش می لرزید و اشک در چشمانش حلقه می زد. او می گفت در یکی از روستاهای کردستان ایران بدنیا آمده است. وقتی هفت ساله شد مادرش گفت می خواهد او را به یک جای خوب ببرد ، جایی که او می تواند یک زن واقعی شود و احساس کند که دیگر بزرگ شده است و از این به بعد می تواند پاک بماند. مادرم من را نزد یکی از پیرزن های روستا برد و او با تیغی که در دستانتش بود به من لبخندی زد و سعی کرد من را آرام کند . با دیدن او تمام بدنم به لرزه افتاد و سعی کردم از دستان مادرم فرار کنم اما مادرم محکم مرا گرفته بود و پیرزن پیراهنم را بالا زد و بسیار ناشیانه شروع به سلاخی من کرد و بعد یک مقدار خاکستر نیمه داغ را بر روی آلت تناسلی سلاخ شده من ریخت که فریاد بلندی کشیدم و از هوش رفتم. درد و رنج من به همان روز و روزهای دیگر ختم نشد . داروهای خانگی افاقه نکرد و آلت تناسلی من به شدت عفونی شده بود و بالاخره بعد از مدت ها خود درمانی پدرم مجبور شد من را به شهر برای درمان ببرد . در آن جا از من آزمایش خون گرفتند و گفتند که هیپاتیت دارم و.... در سن سیزده سالگی مرا شوهر دادن با مردی که حدود بیست سال از من بزرگتر بود و ....و بعد از چهار سال زندگی به علت نابارور بودنم مرا طلاق داد و در سن هفده سالگی من بیوه شدم و...

فوران احساسات و نشاط بر من اتفاق نمی افتد ! نمی دانم که اصلا این حالت جنسی من عادی است یا نه ؟ آیا احساس لذت جنسی به من دست می دهد یا نه ؟ خیلی ناراحتم که

دیگران برای زندگی من و بدن من تصمیم گرفته اند.

همیشه برای یافتن رنج ها و درد ها به دور دست ها خیره می شوم ، درحالیکه سایه خشونت در نزدیکی ماست چه بسا در خانه ماست!!

خشونت رفتاری اکتسابی و آموخته شده است که به خاطر عدم یادگیری رفتارهای همدلانه و ارتباط موثر شدیدتر خواهد شد. خشونت علیه زنان به معنی هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که به آسیب زدن یا رنجاندن جسمی و جنسی یا روانی زنان منجر می گردد که از جمله تهدید است یا اعمال مشابه ، اجبار ، محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی است که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی اعمال می گردد.

یکی از اعمال خشونت آمیز بر زنان ختنه زدن در سنین مختلف است. یونیسف اعلام می کند حدود 120 میلیون زن در سراسر جهان قربانی خشونت ختنه می گردند، ختنه زدن در انگلستان بیش از 8500 قربانی در یک سال می گیرد.

بیشترین آمار ختنه زدن در کشورهای آفریقایی و آسیایی است. 28 کشور آفریقا و آسیا ختنه بدون بی حسی و بیهوشی صورت می گیرد که باعث عفونت های شدید و حدود ده درصد از این کودکان با مرگ مواجه می شوند. سوماتالی رکورددار بیشترین آمار ختنه زدن است.

ختنه زدن عملی است که سازمان ملل آن را مثله کردن آلت جنسی می خواند که میل جنسی زنان را تا حد بالایی نابود می کند. به اعتقاد بعضی ها این عمل باعث می شود که آرزوی هم خوابگی در دختران کاهش یابد تا پرده بکارت آنان قبل از ازدواج محفوظ بماند و وفاداری خود را به همسر آینده خویش ثابت نماید! او هر ده ثانیه یک دختر در دنیا با این تفکر ختنه می شودو زندگی پر درد و رنج خود را به خاطر تفکرات مردسالارانه آغاز می نماید.

متأسفانه ختنه دختران عملی کاملاً زنانه است . این زنان هستند که دخترکان کوچک خود را وادار می کنند و در این عمل زنانه حضور دارند ، جشن و شادمانی ، اگر باشد زنها انجام میدهند و مردها بی تفاوت از کنار این قضیه می گذرند ! چرا زنان که خود آکنده از درد و رنجند همان را برای دخترکان خود و جگر گوشه هاشان می خواهند

در جامعه مردسالاری از زنان استفاده می شود تا مرد سالاری را بازتولید کنند . گاهی

مردان قدرت خود را برای نظارت دیگران موقتا به زنان واگذار می کنندو تا زمانی ، زن قدرتمند است که هنجارها و خواسته های مرد را پوشش دهد و رعایت نماید.

واژین طریق مردان به صورت غیر مستقیم خواسته هایشان اعمال می گردد و مادران برای کسب رضایت مردان ، اصرار بر مثله سازی دخترانشان دارند و خود زنان هستند که مردسالاری را باز تولید می کنند. ختنه به صورت های مختلف صورت می گیرد:

**نوع اول:** برداشتن کلی یا جزیی کلیستوریس  
**نوع دوم:** برداشتن کلی یا جزیی کلیستوریس و لب های کوچک واژن  
نوع سوم: برداشتن لب های بزرگ و کوچک آلت تناسلی و تنگ کردن مجرا  
نوع چهارم: سوزن زدن، دوختن، سوزاندن و...

مارگارت سنگر می گوید: زنی که صاحب تن خود نیست و نمی تواند آگاهانه انتخاب کند که می خواهد مادر شود یا نه ، همسر خود را انتخاب کند ، برای بدن خود تصمیم بگیرد و... نمی تواند خودش را آزاد بنامد.

حق انسان بر بدن خود یک حق بنیادی است ، انسان حق لذت بردن و کامیابی جنسی با انتخاب خود را دارد. حق بر بدن این اجازه را به شخص می دهد تا او نسبت به بدن خویش حس استقلال داشته به طوریکه بدن به عنوان حریم خصوصی فرد در آمده و هرگونه تعرض به هر شکلی به این حریم، نقض یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته می شود و بر این اساس هرگونه تغییر در وضعیت ظاهری و داخل بدن انسان می بایست با رضایت خود شخص باشد.

**اندام های زنانه:**

زنان چند نوع ارگاسم را تجربه می کنند: در زنان دونوع ارگاسم وجود دارد ( یکی ارگاسم خارجی یا کلیتورال ) از طریق تحریک نواحی حساس به خصوص کلیتوریس و (دیگری ارگاسم داخلی یا واژینال) از طریق عمل نزدیکی.

در صورت آمادگی جسمی و روانی و نیز تحریکات کافی خارجی و داخلی ، زن می تواند هر دو نوع ارگاسم را تجربه نماید. حدود 70 درصد از زنان از طریق لمس و تحریک ناحیه کلیستوریس احساس لذت می کنند نه از طریق دخول.

زنان نیز دارای ماهیچه های کف لگن هستند که در انتهای شکمشان هستند . این ها اندام های جنسی نیستند اما برای سلامت جنسی زنان و لذت جنسی آن ها نقشی مهم ایفا می کنند.

واژن یک مجرای لوله مانند است که از خارج از بدن به ورودی رحم "گردن رحم" منتهی می شود . طول این لوله حدود 10

سانتی متر است. واژن دیواره هایی ارتجاعی دارد که کنار هم قرار گرفته اند. دیواره ها را می توان منقبض "سوراخ را تنگ تر کرده" یا آن را شل کرد.

در وردی بدن واژن پرده بکارت قرار دارد ، بافتی با لبه های ارتجاعی هنگام آمیزش جنسی آلت تناسلی مرد وارد واژن می شود) دخول\*

باکرگی به معنای این است که فردی هنوز آمیزش جنسی نداشته است . در حالیکه علاوه بر آمیزش جنسی انواع مختلف سکس وجود دارد .

پرده بکارت سندی بر اثبات باکرگی نیست . باکرگی افراد حس کردنی یا دیدنی نیست . هنگام تحریک جنسی واژن خیس می شود لبهای واژن و کلیستوریس متورم می شوند نوک پستان ها سفت می شوند و ضربان قلب تندتر می شود.

تحریک جنسی شامل تحریک ذهنی یعنی آنچه می اندیشیم و آنچه احساس می کنیم . بنابر این ختنه دختران به دلایلی واهی انجام می گیرد. ختنه زنان و دختران موجب خون ریزی های شدید می گردد و در عین حال می تواند مشکل ادرار و عفونت را نیز ایجاد کند این عمل هم چنین می تواند زایمان را در زنان پیچیده کند و خطر مرگ نوزادان را افزایش دهد . شمار زیادی از زنان و دختران در نتیجه ختنه جان خود را می بازند و بسیاری از زنان و دختران از نتایج روانی این عمل به شدت رنج می برند . عوارض ناشی از ناقص سازی جنسی در دختران و

ایجاد کیست ، ناباروری ، افزایش خطر ابتلا به عوارض زایمان و مرگ و میر کودک و مادر

از نظر DSM (انجمن روان پزشکی آمریکا) نتیجه مستقیم تجربه یا شاهد بودن یک آسیب و جراحت جدی ، تولید ترس شدید می کند ، درماندگی و اضطراب در کودکان را افزایش می دهد. درد و رنج زیاد که شرایط را برای اختلال استرس حاد فراهم می کند. بدون در نظر گرفتن این که ختنه کودکان یک عمل غیر انسانی است این امکان وجود دارد که لطمه روحی ناشی از عمل جراحی دستگاه تناسلی اثرات روانی طولانی مدتی را به جاگذارد .

عامل مشترک لطمه روحی ختنه، تجربه خشونت و حس بی قدرتی است که توسط انسان های دیگر بر او وارد می شود . ختنه برای کودک ؛ یک حالت تهاجمی است که موجب ضعف نفس ، گوشه گیری ، کابوس های شبانه و کاهش عملکرد قدرت مندانه می گردد و موجب احساسات منفی مانند ترس و خشم و قطع رابطه می گردد که نتیجه آن همانند عوارض سو استفاده جنسی در دوران کودکی و تجاوز می باشد.

هفدهم بهمن (ششم فوریه) روز جهانی مبارزه علیه این عمل غیر انسانی است و با گرمی داشت این روز و آگاهی دادن به زنان و مادرانی که در جامعه مرد سالارانه و حکومت های پدرسالار دچار درماندگی آموخته شده هستند، این عمل غیر انسانی را ریشه کن کنیم./

زنان که همواره ممکن است شکل بدن آنان، آن ها را آزار دهد. علاوه بر عوارض روانی درد و خون ریزی ، شوک ، ننگه داشتن ادرار به علت درد جانکاه موجب افزایش عفونت های ادراری در آنان می گردد . گاهی به علت بی تجربگی جراح که عموماً پیرزن های روستایی هستند صدمات ارگانیکی جبران نشدنی بر آنان وارد می گردد . دردهای شدید در زمان دوران قاعدگی به علت آسیب های وارده و عفونت های مکرر دستگاه تناسلی و دستگاه ادراری و کلیه ها . ایجاد جوش(اسکار) در قسمت بریدگی ها با گستردگی زیاد . مشکلات نازایی و هم چنین بارداری در هنگام وضع حمل و علاوه بر مشکلات جسمی مشکلاتی مانند بی اعتمادی ؛ افسردگی های شدید ، ترس از روابط زناشویی ، عدم تجربه لذت جنسی چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ روحی می گردد.

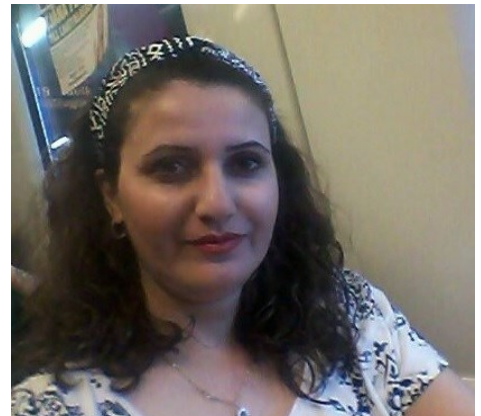
تغییر شکل دادن و آسیب رساندن به قسمتی از اندام های تناسلی زن از روی عمد و با دلایل غیر پزشکی که هیچ منفعت بهداشتی برای دختران به همراه ندارد .

عوارض ناشی از ختنه دختران به دو شکل کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم بندی می گردد: عوارض اولیه ، شوک ، خون ریزی ، کزاز، زخم و عفونت ،مشکلات ادراری و زخم های باز در ناحیه تناسلی و آسیب به بافت های آلت تناسلی است.

**عوارض بلند مدت :** عفونت مزمن و تکرار شوند مثانه و سیستم اداری

## اسلام و ازدواج کودکان

### سحر بابا سلجی



ازدواج اجباری عبارت از مجبور کردن یا تحت فشار درآوردن فردی برای ازدواج است. به عبارت دیگر زن یا مرد جوانی در اثر فشار روحی یا تهدید و مورد سوءاستفاده قرار گرفتن فیزیکی مجبور به ازدواج شود. ازدواج اجباری با ازدواج سنتی که در آن

آشنایی دختر و پسر به وسیله دوست یا اعضای خانواده است ولی ازدواج با رضایت زوج صورت می گیرد تفاوت دارد با توجه به آماري که از طرف نمایندگان در مجلس اعلام شده ۱۵۰۰۰ دختر، زیر ۱۴ سال هستند که در ایران و مطلقه بسر می برند.

نگاهی داریم به این مسائل کودکان و ازدواج اینکه اسلام چه جایگاهی برای کودکان و ازدواج دارد. در واقع میشود گفت، ربطی به این ندارد که فقط در اسلام چنین پدیده ای رواج داشته باشد در مسیحیت نیز چنین رویه ای وجود داشته، چه بسا کشیش ها در کلیسا با کودکان زیر سن رابطه جنسی بر قرار می کردند. در واقع میتوان گفت، پدیده ازدواج کودکان دختر بامردان بزرگسال و میانسال باعث آسیب شدید روحی و جسمی می شود که این خود نوعی خشونت علیه زن محسوب می شود.

کما اینکه اخیراً در رسانه های ایران خبری منتشر شد، دختر ۹ ساله ای در پی ازدواج با مرد ۳۸ ساله در اولین رابطه جنسی اش این دختر مظلوم به کام مرگ فرو می رود. شنیدن

این اخبار بسیار تکان دهنده است. نگاه اسلام به کودک این است که با بروز ازدواج تحمیلی و اجباری سعی بر آن دارد که با ایجاد فشار ترس و وحشت را بردختران زیر سن وارد آورد، که تن به ازدواج ناخواسته بدهد کودک باید جایگاه خودش را بشناسد. باید بجای اینکه با کودکی خودش کنار بیاید بازی و تفریحات خودش را داشته باشد او را وادار به قبول ازدواج اجباری می کنند. به نظر من باید به حقوق کودک احترام گذاشت. در اسلام هیچ اشاره ای به این مسأله نشده است.

تنها راه مبارزه با این پدیده خود مردم ایران هستند چه از قشر فرهنگی جامعه و عموم مردم که ببینش و تفکر خود را بالا برده و تمام قوانین ضد انسانی و ضد حقوق کودکان و حتی قوانین ضد زن زیر پا گذاشته، و در برابر آن ایستادگی کنند، و تنها راه نجات نابودی جمهوری اسلامی است. همچنین بامبارزه با این قوانین پوسیده عقب افتاده ضد انسانی ازدواج اجباری کودکان راه را برای رسیدن به حقوق انسانی کودک هموار کرد./

8 مارس روز جهانی زن در کونتبرگ سوید

مصاحبه سحر صامت با معصومه توکلی



۸م ماه مارس یکی از روز های تاریخی جهان است که زنان در سراسر جهان صدای اعتراض برای دریافت مطالبات اجتماعی و حقوق مدنی بلند می کنند. زنان آگاهی که خواهان حقوق اجتماعی خود و یا دیگر زنان در سراسر جهان اند. امسال تحولات زیادی در وضعیت و کارکرد های زنان در آسیای میانه ایجاد شد. بلند کردن صدای اعتراض و دست و پنجه نرم کردن با جامعه و دولت های کاملاً مردسالارانه کاریست بسیار سخت اما در این سوی آنها برگزاری از این روز در کشورهای سکولار و یا تحت پرچم دموکراسی کاری آسان تر است. سری می زنیم به شهر گونتبرگ دومین کلان شهر کشور سویدن. هشتم ماه مارس ساعت ۱۷:۰۰ به وقت اروپای مرکزی شهر گونتبرگ شاهد تجمع کلانی از گروه ها و احزاب مختلف برای حمایت از زنان بود.

برنامه در میدان گستاف آدولف با به صدا در آوردن ضرب و تبل از سوی جوانان آغاز شد و به مدت حدوداً ۳۰ دقیقه ادامه داشت. سپس سازمان ها و احزاب با به دست گرفتن پرچم ها و پلاک کارت های خود صف راهپیمایی را تشکیل دادند. گروه ها شروع به راهپیمایی کرده و حتی به زبان های مختلفی شعار دفاع از حقوق زنان را سر می دادند. جالب ترین اتفاق امسال حضور یک تعداد از زنان آگاه افغانستانی در میان این تجمع بود. سازمان رهایی زن نیز به عنوان یک مرجع مدافع از حقوق زنان تلاش می کند و اعضای این جنبش هر ساله برای دفاع از حقوق زنان حضور خود را در کنار دیگر نهاد ها و مراکز اعلام می دارند، امسال نیز در این گردهمایی حضور داشتند. سحر صامت : امروز پنج شنبه

تحصیل ، اشتغال و خروج از کشور بدون اذن همسر و ... در حالیکه در دنیا تمام موارد اینچنینی حقوق اولیه انسانی است . زنان ایران برای حداقل ها مبارزه می کنند و می جنگند مثل دختران خیابان انقلاب و همیشه در وحشت خشونت علیه آنها و زندان و شکنجه و برخورد جامعه و قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی بسر می برند ، در دنیا زنان خواسته های دیگری دارند.

**سحر صامت :** با توجه به نکاتی که اشاره کردید و اینکه شما فعال حقوق زنان هستید و در حقیقت انعکاس صدای زن ایرانی ، چه پیامی برای زنان ایران ، افغانستان و فارسی زبانان دارید ؟

**معصومه توکلی:** من در مورد تجربه شخصی خود می گویم ، من ابتدا شک کردم به همه باورهای کهنه و پوسیده ای که داشتم ، زمانی که مطالعه میکردم به همه نظرات موافق و مخالف شک می کردم و بیشتر مطالعه می کردم . شک کردم تا در موارد مختلف به یقین رسیدم الان باورهای خیلی متفاوت است با سال های گذشته . شاید یک روزی بر اساس تبعیض جنسیتی که ریشه در سنت و عرف و قوانین داشت و در باور زنان نهادینه شده است من هم فکر می کردم زن باید انگونه زندگی کند ولی بر اساس شکی که به باورهایم کردم با جدیت شروع به مطالعه کردم ، و فکر می کنم ما زنان شدیداً نیاز به آگاهی داریم ، باید بدانیم چه حق و حقوقی داریم و نداریم ، باید شک کنیم و مطالعه کنیم وقتی آگاه شویم مطالبه می کنیم ، اعتراض می کنیم و مبارزه می کنیم ، زنان اروپا مبارزه کردند ، جنگیدند برای مطالباتشان اون خواسته هایی که برای ما ارزوست زنان اروپا سال ها برایش مبارزه کردند و نترسیدند در ۱۹۵۴ حق رای گرفتند ، در ۱۹۷۴ خشونت علیه زنان جرم تلقی شد و در ۱۹۷۶ حق اشتغال بدون اذن همسر را بدست آوردند آنها همین مطالبات را داشتند در دهه های گذشته نوید این هست که به یمن وجود اینترنت و شبکه های اجتماعی و دسترسی آسانتر به اطلاعات آگاهی مان را افزایش دهیم ولی باز تاکید می کنم ابتدا شک کنیم به باورهایی که مادرانمان در مغزمان فرو کردند و حکومت هایی که بخاطر بقای خود سالهای طولانی ما را در فرودستی نگه داشتند باید باور کنیم که شدنی است ، آگاه شویم و قدم برداریم.

ما هم هشت مارس را با شیرینی دستیابی به برابری و عدالت جشن خواهیم گرفت ، دیر نیست.

**سحر صامت:** سپاس فراوان از شما و حضورتان در این تجمع و برنامه

مصادف با ۸ مارس سال ۲۰۱۸ هست به شهر گونتبرگ آمده ایم و در جمع سازمان ها و احزاب مدافع حقوق زنان هستیم ، حضور خانم معصومه توکلی فعال حقوق زنان هستیم ما به جمع معترضان پیوسته ایم و حوادثی که امسال در افغانستان رخ داد آمار خشونت علیه زنان از افزایش ۲۰ و چند درصدی خبر داد که خود جای نگرانیست اما مبارزات زنان ایران و زنان کرد در خطوط جبهه تحسین برانگیز است.

**سحر صامت:** خانم توکلی سلام عرض میکنم و خوش آمد میگویی حضور شما را در برنامه سازمان رهایی زن ، لطفا در مورد

مبارزات زنان ایران و خصوصاً دختران خیابان انقلاب صحبت کنید.

**معصومه توکلی :** سلام عرض میکنم و ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان جهان و خصوصاً زنان فارسی زبان و هموطنان ایرانیم تبریک می گویم .

در یکی دو ماه اخیر حضور دختران انقلاب را در ایران داریم که حرکتی خود جوش را آغاز کردند در زمانی که فعالین حقوق زنان در بلاتکلیفی و نداشتن انسجام فکری در ارایه راهکار عملی برای مبارزات زنان ایرانی بسر می بردند دختر ایرانی به خیابان آمد و به حجاب اجباری نه گفت ، البته به نظر من این فقط نه به حجاب اجباری نیست در حقیقت فریاد نسلی است که مقابله می کند با فشری گری و حکومت ارتجاعی که ۴۰ سال است برای زن ایرانی فقط تکلیف معین کرده بدون اینکه حقی به او اعطا کند.

**سحر صامت :** لطفا کوتاه وضعیت زنان ایران را در حال حاضر بررسی کنید .

**معصومه توکلی :** بر اساس مطالعاتی که کردم شاید فقط مدتی کوتاه در زمان انقلاب مشروطه یکسری از مطالبات زنان توسط خود زنان پیگیری شد و بعد مجدداً توسط حکومت ها به فراموش سپرده شد در حقیقت حکومت ها اجازه پیگیری این خواسته ها را ندادند در چهار دهه گذشته ما عقب گرد داشتیم و ان رویای مدینه فاضله برابری و آزادی که جمهوری اسلامی برای زنان ساخته بود رویایی بیش نبود . در حال حاضر مطالبات زن ایرانی ابتدایی ترین مطالبه بشری است یعنی مطالبه حق ذاتی و اولیه بشر ، زن ایرانی مبارزه می کند برای انتخاب نوع پوشش ، خروج از منزل ، ادامه





نقاشی: "ریشه در خاک"

Bildname: **Wurzeln im Boden**

نقاشی از: **مریم رضانی کوی**

Malerin: **Maryam Ramezani Kivi**



فراندم در خیزش دیمه انجام شد، زنده باد هشت مارس روز.... ادامه ی صفحه ی 5

این را افشا کردن و در مقابلش این را اجاز نداد که رنگش را به هشت مارس بزند. این جنبش این قدرت را نشان می دهد از جنس آنها نیست جنبشی است که در خیابان همانطور که گفتیم نه در مقاومت و نه در اعتراض، که با اعتماد به نفس و طلبکار حق خودش را می خواهد و بدون اینکه کسی چیزی بهش گفته باشد حجاب خودش را بر می دارد. این متفاوت است با آن حرکت گفتمان های اصلاح طلبان و این ها سعی می کنند که رنگ خودش را به آن و هشت مارس از جمله بزنند که نباید گذاشت که این اتفاق بیفتد

**مینو همتی:** خیزش دیمه در بیش از یکصد شهر ایران، جناحهای رژیم را از خواب خرگوشی ناشی از برجام بیدار کرد و رژیم سراسیمه از خود عکس العملهای جویانه از قبیل اعدام اسرا به سبک خودکشی از یکسو و سخن از آزادی اعتراض و حتی فراندم سر دادن از سوی دیگر نشان داد. آنچه مشهود است تغییر در توازن قوای بین حاکمان اسلامی و مردم تحت ستمی که کاسه صبرشان لبریز شده است و هر یک مشغول ارزیابی از عواقب آن است. مایلیم نظر شما را در اینموارد جویا شوم.

**ثریا شهابی:** عواقب جنبش محرومین که دی ماه عروج کرد، خیلی سرنوشت ساز است خیلی تعیین کننده است این جنبشی بود که خامنه ای را مجبور کرد که اعتراف بکند که شکست خورده و معذرت خواهی بکند خودش می دانند که این قتلهایی که به شکل خودکشی توی زندانها دارد صورت می گیرد زندانی و دستگیری رهبران و فعالین جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی توی دانشگاهها، محیط های کار و زندگی و توی تظاهرات اخیر و این بگیر و ببند ها نجاتشان نمی دهد به آخر خطشان رسیده اند

دنبال راه خروجی هستند از این بن بست که جنبش محرومین آنها را توی این بن بست قرار داده است هیچ کس دیگه ای نکرده است نه موسوی و نه کروبی و نه رفسنجانی و نه احمدی نژاد و نه هیچ عنصر داخل حکومتی و یا خارج حکومتی نبوده که جمهوری اسلامی را به این بن بست کشانده، جامعه ایران و مردم محروم، طبقه کارگر، صف مردان و زنان که خفه شده اند از این همه فشار و فساد و سرکوب و بخصوص زنان که بیش از سه دهه از زندگی شان به تباهی کشیده شده است. اینها آمده اند به

میدان و حاکمیت را به بن بست کشانده اند هیچ کس صحبت از ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی به شیوه سابق نمی کند خودش هم نمی کنند، خودشان می گویند بوی الرحمن نظام شنیده می شود، دنبال راه خلاصی می گردند. می دانند که رفتنی اند و اینکه چه چیزی جای این بختک ارتجاع ضد زنی که چهار دهه است که زندگی انسانی را به مردم ایران سیاه کرده را می گیرد. این خیزش اخیر دی ماه چپ و کارگری بود و همه آنها وقتی در موردش صحبت می کنند از رسانه های معتبر غربی تا خود ایران، می گویند که چپ و کارگری است. نگاه بکنید به اعتراض کارگری که ادامه زندگی اش با بقای جمهوری اسلامی ناسازگار است و سیر محرومینی که دانه به دانه حساب می کنند خرجی که اینها توی تحرکات نظامی می کنند، خرجی که اختصاص می دهند به تبلیغات اینولوژیک شان و خرجی که صرف نهادهای خود می کنند ماشینی که سوار می شوند، زندگی که دارند، پولی که می دزدند. همه اینها را دانه به دانه حساب می کنند که چرا پس حقوق من را نمی دهید؟ چرا من باید کلیه فروشی کنم؟ چرا من باید گورخرابی کنم؟ کولبری کنم و به فحشا و فقر و بیکاری کشیده بشوم؟ توی اینطور داری از ثروتی که من آفریده ام بچاپ بچاپ راه انداخته ای، فساد راه انداخته ای و چهار چشمی دارند نگاهشان می کنند و هر روز دارند ازشان حساب کشی می کنند این جنبشی است که چپ و کارگری است این نه توی برنامه ترامپ بوده و نه توی برنامه رفراندوم آقای پهلوی بوده و نه توی رفراندوم آقای شریعتمداری بوده نه توی تحرکات عربستان بوده، اسرائیل بوده، نه توی تحرکات احزاب کردی بوده این تحرک چپ و کارگری و از پایین است و باید چپ و کارگری بماند آنچه که متفاوت می کند حرکت دی ماه را از بقیه حرکت های قبلیش، این واقعیت است. حرکت زنان چپ است، چپ به این معنی که خارج از قانون اساسی است خارج از این گفتمان های بی مایه اصلاح طلبان و فمینیست های اسلامی است که فقط و فقط به ضرب خفقان و به ضرب این که حاکمیت سرپایش ایستاده، یک عمر عوامفریبی کرده است یک عمر مردم را دنبال خود سیاه فرستاده اند جنبش زنان را برای اینکه برگردانند به اینکه یک میلیون امضا و برابری، دنبال این نیست که پنج تا خانم دیگر توی راهروهای مجلس دنبال دفتر این وزیر و آن وزارتخانه باشد و یا جاسازی

بکند. و این خواستهایی که بخشی از فمینیستها توی جوامع غربی دارند جوامعی که متکی هست به برابری کامل از نظر حقوقی. منتها مکانیزمهای غیر رسمی هست که این نابرابری زن و مرد را بازتولید می کند، می آیند و صحبت می کنند از اینکه ترکیب جنسی مقامات، مراجع و نهادهای تصمیم گیرنده چی هست اصلا به ایران مربوط نیست این فمینیست هایی که یک عمر جنبش زنان را دنبال خود سیاه فرستاده اند با این حرکت خیزش دی ماه محرومین و دختران خیابان انقلاب یک لگد خورد به پرونده شان و افتادند بیرون. و با این بحث قانون و قانون اساسی سعی می کنند که خودشان را دوباره احیا کنند سعی می کنند که خودشان را به این حرکت بچسبانند و می خواهند رنگ جنبش سیاسی خودشان را به این حرکت بزنند. به هر حال کوتاه کرده باشم جنبش محرومان در ایران قد علم کرده و این شاید یکی از بی نظیرترین حرکت های قرن اگر اغراق باشه حداقل چند دهه اخیر یا نیم قرن گذشته هست که اینطور رودروری حکومتی قرار گرفته است و پایه اش اقتصاد است، پایه اش این هست که تو من را از نظر اقتصادی خانه خراب کردی و به تباهی کشاندی. کارکنان جامعه و محرومین جامعه و اکثریت شهروندان جامعه را به فقر و فحشا و اعتیاد و سیاه روزی و بیگاری کشاندی و خودت داری ادعا می کنی که قدرت نظامی منطقه هستی و در مقابل این صف محرومین به میدان آمده اند و همه شال و کلاه کردند که چه جهتی بهش بدهند این محرومین نه دنبال شمارش آرا هستند نه دنبال جاسازی کردن چنداناً خانم یا دنبال رفسنجانی به جای احمدی نژاد و یا احمدی نژاد بجای روحانی. یا اینجای قانون اساسی و آنجایش را تغییر بدهید است همانطور که شما در سوالتان گفتید مردم ایران رفراندومشان را داده اند. گفته اند که جمهوری اسلامی را نمی خواهند باید بگذارید که در سیر مبارزه قدرتمند بشوند و بخش پایین بتوانند قدرت خود را تحمیل بکنند و جمهوری اسلامی را کنار بزنند، حرکت محرومینی که توی دی ماه عروج کرد و باعث شد که حرکت دختران خیابان انقلاب، قبل از این حرکت محرومین دی ماه صورت گرفته بود بتواند بطور وسیع تکثیر بشود دو رکن دارد و یکی از آن علیه فقر و برای معیشت انسانی ست و یکی دیگر علیه قوانین اسلامی و بخصوص ضد زن است. یکی از این دوتا زندگی اقتصادی جمهوری اسلامی ست برای به بیگاری کشیدن از طبقه کارگر است بقا بتواند ترکات نظامی اش را داشته باشد بتواند نظامش را سرپا نگه دارد هیچ دورنمای گشایش اقتصادی ندارند،

خودشان می گویند، این را دنیا دارد می گوید و لی به معنی این نیست که بساط بچاپ بچاپ شان راه، تحرکات نظامی شان را و سرپا نگه داشتن نظام شان را از نظر اقتصادی در خطر انداخته اند. و یکی دیگر حاکمیت اسلام شان است که زت ستیزی و حجاب سمبلش است. این دو رکن توی این حرکت است که دی ماه و خیزش دی ماه دو رکن یک تحرک چپ است چپ و کارگری است جنبش زنان چپ است که پشت کرده به حاکمیت، نه به قانون اساسی اهمیت می دهد نه به اینکه مأموری بیاید اصلا دارد پا به میدان گذاشته که می خواهم حق را بگیرم که حق را به زور بگیرم. نمی توانند خاموش بکنند اما سعی می کنند که گمراهش بکنند به کجراهش بکشانند بعد قیچی اش بکنند همانطور که می بینید صفی از راست ها، کسانی تا دیروز که در مراسم گناه بود از فروپاشی جمهوری اسلامی دم بزنند امروز توی ایران فراندوم چی شده اند و تند تند حکومت بعدی را اعلام بکنند معلوم نیست این عجله برای چی هست؟

جنبش محرومین از پایین دارد جنگش را می کند باید قدرتمند بشود، باید عقب شان بزند باید به قدرت خودش پایین بکشد و اینها نمی خواهند اجازه بدهند از پروژه فراندوم آقای پهلوی تا پروژه فراندومی که آقای شریعتمداری به کمک اصلاح طلبان درون حکومتی می خواهد تحمیل بکند اینها در مقابل رشد و گسترش جنبش چپ و کارگری است که در صحنه است و حرکات دست راستی است و پولاریزاسیونی دارد توی ایران شکل می گیرد که باید به شفافیت و روشنی نشان داد چه در جنبش زنان و چه در جنبش کارگری و چه در جنبش علیه جمهوری اسلامی این پولاریزاسیون دارد صورت می گیرد و دوتا جواب هست یک جواب رادیکال و سوسیالیستی به مساله زن همان جوابی است که توی میدان هست و نباید اجازه داد با این پروژه های قیچی کردن سیر پیشروی اش و سیر قدرتمند شدنش و سیر متشکل شدنش و سیر تعیین رهبری خودش و جنبش خودش نباید گذاشت این پروژه ها قیچی اش بکنند

**مینوهمتی:** تا آنجا که من مطلع کسانیکه سالیان درازی است مسئله فراندوم را مطرح میکنند، مانند آقای رضا پهلوی اکنون به این نتیجه رسیده اند که با وجود این رژیم فراندوم میسر نیست و آنرا به فردای فروپاشی رژیم اسلامی موکول میکنند، لیکن برخی هنوز به امکان فرندام تحت حاکمیت این رژیم زور و تزویر باوردارند. از نظر من فراندوم مردم در بیش از صد

شهر ایران برگزار شد و نتیجه نیز به جهانیان اعلام شد. نظر شما در این مورد چیست؟

**ثریا شهابی:** همانطور که قبلمتر هم اشاره کردم و شما هم توی سوالاتان قبلتر هم گفتید مردم توی اعتراضات شان نه را به جمهوری اسلامی گفتند این حرف درستی است. فراندوم آقای پهلوی که بالاخره معلوم نیست که می خواهند شاه بشوند که معلوم نیست اما معلوم شده که چندان بی علاقه هم نیستند برای روزهای فروپاشی رژیم بطور کامل نیست برای رفتن و تغییر تعدادی از سران و تحویل دستگاه به ایشان است که با ستفاده از همان دستگاه، با زدن کمی از اسلامیت اش، پادشاهی یا جمهوری اش بکنند معلوم است که می خواهند پادشاهی اش بکنند. مگر اینکه بخواهند سناریوی پدربزرگ را که داعیه ریاست جمهوری دارند و به اصرار قدرتهای غربی و یا بنا به خواست مردم می خواهند شاه بشوند این یک نوستالژی بیشتر نیست اینچنین اتفاقی نمی افتد. مردم ایران به غلط یا درست سلطنت را به زیر کشیدند غلط یا درست را به این دلیل می گویم که حتی نمی تواند کسی فکر کند نوستالژی دوران هوای سلطنت را داشته باشد که توی آن همه چی ممنوع بود آواز پرند و سرخ و سپاه که خواننده ها می گفتند می اندختند شان توی زندان و ظاهرا حکومت هم ایندولوژیک نبود و شما اگر می گفتید جامعه بی طبقه می خواهیم حکم تان اعدام بود. حالا توی آن شرایط زندگی نکردند این قدر سپاهی بر سرشان ریخته است که نوستالژی آن دوران را حمل می کنند به این دلیل می گویم که مستقل از اینکه فکر کنند درست بوده یا غلط بوده مردم حکومت را به زیر کشیدند جمهوری اسلامی هم رفتنی است هر دو نظام متعلق به یک گذشته سپری شده است که اگر توی ایران ربطی به اتحاد جماهیر شوروی و ورسیه و تغییراتی که آنجا اتفاق افتاد ندارد ربطی به چین ندارد، ولی اگر تحولات چین باعث می شد که خاقان چین را برگردانند یا تحولات شوروی باعث می شد که تزار را برگردانند این تحولات هم باعث می شود که شاهنشاه را برگردانند. در نتیجه اینها خیال است و اینها نوستالژی است. هیچکدام از این نظام ها، هیچ رگه ای از اسلامیت و هیچ رگه ای از سلطنت توی ایران شانس ندارد. باز مستقل از اینکه هر کسی تصویر دیگری داشته باشد. شانس ندارند حکومت های پایداری بیاورند اما طرح فراندوم آقای پهلوی و آن پانزده نفر اصلاح طلب به رهبری آقای شریعتمداری که من حالا بهش می گویم طرح شریعتمداری خاصیت های

دیگری دارد. احتمالا یک بخشی از حاکمیت که همین الان تویشان هست روحانی هم هست احمدی نژاد هم توی شان هست اینها همه شدند فراندوم چی، که فراندومچی هایی هستند که می خواهند مردم ایران را از این وضعیت نجات بدهند، یک بخشی از آن الگویش هست رضا پهلوی که توی آن دوران شریک نیست شریک سلطنت پدرش نیست ولی خیلی به آن افتخار می کند و مردم را پشیمان از آن همه لطف و مرحمت و آزادی خواهی و برابری طلبی که باید رفت تاریخ را حتی از زبان راستها شنید که توی ایران چه خبر بود و کودتا پشت کودتا، آن حکومت در ایران ریشه داشت. آن طوری می خواهند نجات بدهند احمدی نژاد و روحانی و اصلاح طلبانی مانند مخملباف و اینها طور دیگری می خواهند نجات بدهند. این تلاش ها مرده به دنیا آمده و لی یک خاصیت دارد. خاصیتش این هست که هر دو طرح متکی ست به سازمان ملل و خطر حمله ناتو وقتی که اوضاع از کنترل خارج بشود در نتیجه اولین کسی که اولین نیروی نظامی علیه مردم استفاده بکند این پروژه ها هستند. خشونت از طرف خود اینها خواهد آمد، نه از طرف محرومینی که اعتراض می کنند می چپ و راست می گویند خشونت نکنید. محرومینی که برای حسابرسی آمده اند را می فرستند منزل، تا در حمایت سازمان ملل و از ترس جنگ ناتو و جنگ داخلی، این فراندومچی ها طوری دعوی خودشان را به اصطلاح سازمان بدهند. آقای پهلوی یا روحانی یا احمدی نژاد، حالا بشینیم یک قماری که جنگ داخلی می کشد اینها کارکترهای داخلی برای جنگ داخلی ست اگر بتوانند و پشت شان هم به نیروی نظامی ایران و نیروی ناتو ست در نتیجه خشونت طلب نیستیم و خشونت نمی خواهیم، سازمان ملل قرار هست که چکار بکند، سازمان ملل عراق را آباد نکرد و ناتو یوگسلاوی را بمباران نکردند مگر لیبی را بمباران نکردند، قرار هست توی ایران چکار بکنند این همه اعتبار خود سازمان ملل به خودش نمی دهد دارد می پاشد معلوم نیست چه کسی توش آقا ست، هر کسی از یک طرف دارد می کشد راست ایران، درون حکومتی و برون حکومتی تازه دارد روی آن سرمایه گذاری می کند.

باید این طرح ها را کنار زد این طرحها علیه رشد و گسترش و قوام پیدا کردن جنبش آزادی و برابری زن و مرد است، جنبش احقاق حقوق کارگر است جنبش برای آزادی برابری است و جنبش برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی با اتکا به پرچم انسانی،

ادامه در صفحه 18

که از اسفند سال ۵۷ آغاز شد و سرانجام به مبارزات خیابان انقلاب ادامه یافت. این مبارزه هم برای حاکمان قدرت و هم برای زنانی که در طول این سالها مبارزات خود را پیش بردند پیامی را به همراه داشت.

**محتوی پیام اینگونه است که هیچ قدرتی با هیچ خشونتی نمی تواند مقابل اراده ی جمعی جامعه بایستد. زمانی که مساله ی رهایی زن تبدیل به اراده ی جمعی شد دیگر محال است که کسی بتواند در مقابلش بایستد. ما امروز شاهد این موضوع هستیم و رهایی زنان اراده ی جمعی جامعه است.**

من در همین جا به احترام و حمایت از دختران انقلاب به احترام ویدا موحد به عنوان اولین دختری که به روی سکوی خیابان انقلاب رفت و حجابش را به دست باد سپرد و نه را که سالها به ما تحمیل کرده بودند و نظر ما را تحلیف کرده بودند را برملا کرد و گفت من این اجبار را نمی خواهم. همچنان به احترام مریم شریعت مداری که با خشونت او را از بالای سکو پرتاب کردند و گفت من مجرم نیستم و مرتکب جرمی نشدم. به احترام آتنا دائمی و گلرخ ایرانی دخترانی که به جرم دفاع از انسانیت امروز در پشت میله های زندان بسر می برند از جا بر میخیزم و حجابم را از سرم بر می دارم. به امید روزی که هیچ اجباری نتواند زنان را از هویت انسانی خودش دور نگه دارد.

زنده باد هشت مارس و زنده باد برابری زن و مرد! /

**با تشکر از سحر صامت برای ادیت متن**

درگیری های لفظی آغاز می شود یکی میگوید حجاب اجباری بوده و دیگر ساز مخالف می زند و آن سد سنگینی که در طول این چهار دهه ساختند ترک برداشته است. ظاهرا یادشان افتاده که از اول نیز مخالف حجاب اجباری بودند و یا اینکه اساسا آگاه زنان حجاب را رعایت می کنند دلیلش طرز فکر خودشان است چون ما از اول نگفته بودیم که حجاب باید اجباری باشد و دختران خیابان انقلاب این تحمیل ۴۰ ساله را بها دار کردند. ما به حجاب اعتقاد نداشتیم. حجاب اجباری قانونی است که با صرف هزینه ی سنگین بر ما تحمیل شد و می خواهند با این نمادی که می خواهد دیگر اجبار ها را به زندگی زنان تحمیل کند. دختران انقلاب توانستند حرمت و احترامی را که در طول این سالها لگدمال شده بود را به ما برگردانند.

اینبار خوشبختانه جامعه با دیده ی احترام به این حرکت نگاه کرد و دقیقا این نقطه ی عطفی است که جامعه ی ایران از آن عبور می کند. اگر مبارزات قبلی را با این مبارزه مقایسه کنیم میبینیم اینبار جامعه بود که حمایت کرد. با نمادی که پسران انقلاب با به دست گرفتن حجاب مخالفت خود را با حجاب اجباری و نماد ضدیت با زن حمایت خود را از دختران و مبارزاتشان اعلام کردند و این نقطه عطف می تواند نقطه ی مرکزی برای حمایت از تمام جنبش ها باشد. مبارزان بی اماتی که برای امید رهایی از قوانین اجباری

ابت می کنند و مخالفت خود را با وضعیت کنونی اجتماعی اعلام می دارند. امروز ما درحالی هشت مارس را جشن میگیریم که زنان در طول این سالها سخت مبارزه کردند اگر شما از اسفند سال ۵۷ تا کنون نگاهی به تاریخ فعالیت زنان ببینید میبینید که زنان قدم به قدم چه بهای سنگینی را پرداخته اند و چگونه مانند قرون وستایی مورد شکنجه قرار گرفتند. همیشه برای هر ذره از اختیار زن تصمیم گرفتند که آیا حق دارد به ناخن های خود لاک بزند یا نه اما زنان تجربیات بسیار تلخی را با وجود نظام راست تجربه کردند. شلاق خوردند، زندان رفتند و اعدام شدند و با وجود اینهمه خشونت علیه زنان نتوانستند شکست به این جنبش تحمیل کنند. جنبش زنان علی رقم اینکه بهای زیادی که در طول این چهار دهه پرداخته اما پای خواسته های خود ایستاده و امروزه ما میبینیم که برگزاری ۸ ام مارس بر روی سکوی انقلاب و مبارزه ی دختران خیابان انقلاب صاحب کرامت می شود..

در تمام این چهار دهه یکی از موضوعات اصلی تمام جراید روزانه ها و اخبار روزمره ی سیاسی زن، تحمیل حجاب اجباری و قوانین ضد زن است. اتفاقی که در مورد دختران خیابان انقلاب افتاد تمام سیاستمداران را دچار لکنت زبان کرد. تعدادی که از بردن نامشان اجتناب می کنم هر روز باب موضوع را اینگونه باز می کنند که قرار نبوده حجاب اجباری باشد و

### گفتگوی گزارشگران بمناسبت 8 مارس ..... ادامه ی صفحه ی 3

شدن و پرتاب ارتجاع اسلامی حاکم به ناکجاآباد تاریخ معاصر. قریب به چهل سال خشم انباشت شده زنان با اینکه هر از چند سالی در مجامع گوناگون ظهور میکرد، اینبار جنبش رهایی زن با ورود نسل جوان زنان به صحنه مصاف با رژیم زن ستیز از ابتکاراتی برخوردار شده است که رژیم از پس آن بر نخواهد آمد و این حرکت شجاعانه و در عین حال متین بر بستر شرایط مناسبی که توازن قوای جدید مردم با حاکمیت بوجود آورده امکان رشد دارد و باید تمام قد از آن حمایت کرد. ما شاهد پیوستن هر چه بیشتر مردان آزادیخواه برابری طلب به این جنبش هستیم. /



هنوز کماکان ادامه دارد زنان بطور وسیعی در این اعتراضات شرکت نموده اند شما این حرکتها را چگونه ارزیابی میکنید؟ تعدادی از دختران جوان حجاب خود را به عنوان اعتراض از سر بر گرفتند و این حرکت مبارزه زنان و دختران خیابان انقلاب نام گرفته است شما نظرتان درباره این حرکت چیست؟

**مینو همتی:** بطور قطع زنان در صف مقدم مبارزه برای پایان دادن به شرایط جهانی موجود حضور مشهود دارند. و اما در مورد ستم مضاعف حکومتی در حیات اجتماعی و دخالت در حریم خصوصی زنان باید بگویم، هر عملی یک عکس العملی دارد. عملکرد رژیم متحجر اسلامی نسبت به زنان بمانند فشار ابلهانه برای بزمین چسباندن یک شاه فخر عظیم الجثه میماند که دیگر جایی برای پائین تر رفتن ندارد و فرامیرسد وقت باز

**گزارشگران:** شما نظرتان درباره متشکل شدن زنان بطور عام و زنان کارگر بطور خاص چیست؟

**مینو همتی:** تاریخ پیشرفتهای بشری در هر عرصه ای و بخصوص اجتماعی تاکید بر کار جمعی و متشکل دارد. بطوری که تشکیل کانون و انجمن و نهاد جزئی از ملزومات زندگی اجتماعی شده است. هر چند حاکمان تفرقه میاندازند تا حکومتشان دوام یابد، لیکن جنبشهای اجتماعی همچون آبهای زیرزمینی از هر روزنه ای سربر میآورند در مسیر بهم میپیوندند. شروع کار تشکل از محافل آشنایان در محل کار، درس و زندگیست. زنان کارگر هم از این فائده مستثنی نیستند.

**گزارشگران:** ما شاهد بودیم که در چند ماه گذشته خیزش مردمی در جریان بود که

### بیانیه جمعی از فعالین حقوق زنان به مناسبت 8 مارس روز جهانی زن از تهران

مبارزات زنان برای احقاق حقوق انسانی و برابری تاریخی را پشت سر گذاشته و به شیوه های مختلف در شرایط متناسب با زمان خود متغیر بوده است. اما امروز وارد دور تازه ای شده است که می توان گفت تا حدی وسیع تر و متفاوت تر از هر زمان دیگری بوده است. دیگر زنان و جامعه نه برای صرفاً تغییر در چند مواد قانونی، نه برای ارث و یا دیه برابر، نه برای حق حضانت فرزند یا برای رأی برابر، که به تمام قد برای برابری کامل زن و مرد و حتی فراتر از آن برای جامعه ای آزاد و برابر برای همگان وارد کارزار شده است. این جنبش و فرم مبارزه نوین، مردسالاری را هم به سمت کمرنگ شدن برده است تا جایی که بخش زیادی از مردان هم به این مهم رسیده اند که آزادی شان و حتی خواست زندگی در شأن انسان برایشان در گرو آزادی و برابری زنان در جامعه ست به این نتیجه رسیده اند که محدود کردن و در تنگنا قرار دادن زنان و سرکوب خواست های زنان، زیانش بیشتر از هر چیز متوجه خود مردان جامعه ست. سرکوب و تحقیر زن، نف سر بالایی ست که به خود جامعه باز می گردد و این بزرگترین بی حرمتی و توهین به شخصیت خود مردان آن جامعه ست. و این اتفاقی نیست که هر جا ارتجاع بخواند از جامعه انتقام بگیرد یک راست سراغ زنان و قوانین و سنتهای پوسیده علیه زنان می رود و در سمت دیگر، جامعه هم برای پس گرفتن دستاوردهای انسانی قبل از هر چیز بایستی زنان و حقوق و شأن انسانی شان را برجسته و شعار خود بکند و این را سرلوحه کار خود بکند که زنان و جنبش رهایی زن یک وجه تعیین کننده تحول و تغییر در مناسبات عقب مانده و غیر انسانی اند.

این یک واقعیت است که زنان و جنبش رهایی زن در صف اول تلاش بشریت امروز برای رهایی قرار دارند. و مبارزه برای احقاق حقوق زنان انگار دارد راه و مسیر درست خود را پیدا می کند اینک می خواهد خود را به جنبش واقعی که آزادی زنان فقط در پیوند با آن می تواند معنی و مفهوم پیدا کند گره بزند. خالص است و متوهم نیست. دنبال شاه و شیخ نیست بلکه دنبال تغییر ریشه ای است به کم اکتفا نمی کند. یواشکی دنبال آزادی نمی گردد. و پرچمش را در هر کوچه و خیابانی برافراشته ست به صحنه کارزار آمده ست، ایجاد نگرانی کرده ست. مطالباتش جدی تر شده است، دیگر نمی توان به راحتی زنان را به کنج و پستوهای خانه ها راند. زنان نشان دادند که یک پای اصلی تغییر در شرایط و موقعیت طبقاتی و اجتماعی اند و تغییر ریشه ای برای رسیدن به رفاه و آسایش همگانی بدون تغییر در شرایط حقوقی و اجتماعی زنان ممکن نیست.

روز جهانی زن را باید به فرصتی برای ایجاد همبستگی جنبش زنان با دیگر جنبش های اجتماعی خصوصاً جنبش طبقاتی و رادیکال تبدیل کرد، اینکه فقط در سایه ی شرکت فعال زنان در تمام عرصه های اجتماعی می توانیم به حقوق انسانی و یک جامعه ی پیشرفته نایل شویم و پیشروی های معنی دار اخیر جنبش زنان این مهم را به جامعه قبولانده که و گذر از یک جامعه عقب مانده و اساس و زیربنای یک جامعه ی مدرن، مدنی و انسانی در توجه به مساله زنان و برابری همه جانبه زن و مرد، می باشد.

### گزارش 8 مارس روز جهانی در رشت تشکل یابی زنان: تاریخچه و چشم اندازها

بیدار زنی: با نزدیک شدن به ۸ مارس، مراسم گرامی داشتی در رشت به این مناسبت برگزار شد. در دعوتنامه این مراسم که با محوریت تشکل یابی زنان: تاریخچه و چشم اندازها «برگزار شد، آمده است:

«به یاد می آوریم ۹۵ سال پیش مادرانمان در جمعیت پیک سعادت نسوان برای اولین بار در رشت، روز جهانی زن را گرامی داشتند و سنت گرامی داشت این روز، با تمام اوج و فرودهایش همواره در این سالها حفظ شد. «در ابتدای مراسم، مجری برنامه با خواندن شعری از نیما به میهمانان خیر مقدم گفت و پس از آن فیلمی درباره ی تاریخچه ۸ مارس پخش شد.

زهره اسدپور، اولین سخنران این مراسم، مقاله خود با عنوان «نگاهی به تجربه ی جهانی تشکل یابی زنان کارگر» ارائه کرده و با اشاره های مختصر به موانع حضور زنان در اتحادیه های سنتی کارگری، موانع پیش روی کارگران زن را به دو دسته خارجی و داخلی تقسیم کرد و گفت: موانع داخلی به عدم تجربه ی زنان در تشکل یابی و بیم از دست رفتن امنیت شغلی یا تحت الشعاع قرار گرفتن فردیت آنان مربوط می شود و موانع خارجی عبارتند از ساختار مردانه ی اتحادیه ها و در نظر نگرفتن شرایط زنان در اولویت بندی اتحادیه ها.

اسدپور ضمن تعریف مشاغل غیر رسمی، به مسئله تشکل یابی در این مشاغل پرداخته و مانع اصلی در این مسیر را معضل هویت یابی کارگری دانست. او پیشنهاد کرد که سازمان های زنان برای هویت یابی کارگران به عنوان پیش شرط متشکل شدن آنان، تمهیدی ببینند. او به ضرورت توجه به تفاوت میان مشاغل رسمی و غیر رسمی که اغلب در آن کارفرمای مشخصی وجود ندارد، اشاره کرده و تأکید داشت که توجه به این تفاوتها، تشکل های زنان را به مبارزه برای تغییر قوانین و سیاست های دولت در جهت بهبود شرایط کارگران یاری می کند. او در انتها به توضیح و اهمیت اقداماتی برای جلب اعتماد کارگران نسبت به تشکل های زنان پرداخت.

پس از سخنرانی، نمایش «مصاحبه «نوشته ی محمد رحمانیان با اجرای افسانه کریمی و شقایق وحیدی به روی صحنه رفت. مصاحبه، حول تجربه ی زنی است که تجربه ی سالها حبس و شکنجه در زندان های استعمار فرانسه در الجزایر را داشته است.

ستاره لعل دومین سخنرانی این مراسم را با عنوان «بررسی موانع تشکل یابی زنان در بازار کار ایران» ارائه داد. او با نگاهی به تاریخچه ی تشکل های کارگری پس از انقلاب، ایجاد تشکل های کارگری موازی از سمت حکومت را راهی برای مقابله با تشکل های کارگری/ سندیکایی و پاسخی به دوره ی برون تابی نظام و سیاست پرولتاریا زدایی دانست و در ادامه به شرح موانع معطوف به عاملیت و ساختار پرداخت. در بحث عاملیت، لعل ضمن نقد آن دسته از رویکردهای توسعه گرا که عاملیت را به تعریف فردی منحصر می کنند و با اشاره به روند جامعه پذیری دختران، معتقد بود این شکل از جامعه پذیری، منطبق با نیازهای حضور در بازار کار نیست. او در اشاره به عوامل ساختاری، از موانع قانونی نام برد و گفت: یکی از این موانع، حضور الزامی حداقل ۳۵ کارگر برای تشکیل شوراهای کارگری است که طبعاً شامل زنان که اغلب در کارگاه های کوچک کار می کنند، نخواهد شد. دومین مانع، شرط استخدام تمام وقت برای تشکل کارگری است که پیشاپیش زنانی با مشاغل پاروقت را از شمول خود خارج می کند. لعل سخنرانی خود را با اشاره به وضعیت زنان در مشاغل غیررسمی به پایان رساند.

پس از دومین سخنرانی، مراسم با دو نوازی سهار و دف توسط میترای یزدانی و نگین نادری و پخش مستندی از یک پروژه ی عکاسی از زنان کارگر ادامه یافت. پایان بخش این مراسم پرسش و پاسخ مدعوین و سخنرانان بود.

گزارش ها و عکس هایی از 8 مارس روز جهانی زن، در اروپا

گزارش هشت مارس ۲۰۱۸ - بلژیک گزارش از: سعید محمدی



همزمان با هشت مارس "روز جهانی زن" دنیا شاهد تظاهرات زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلبی بود که به خیابان ها آمده بودند تا با تمام وجود خواستار احقاق حقوق زنان در جامعه شوند. همچنین اقدام جسورانه ی تنی چند از زنان ایرانی در داخل ایران هم باعث دلگرمی فعالین این عرصه در داخل و خارج از کشور شد. زنانی که با به خطر انداختن جان خود در مترو و پارک ها اقدام به خواندن آوازهای انقلابی و سر دادن شعارهای برابری طلبانه کردند.

در بلژیک نیز همانند سایر نقاط دنیا مراسمات زیادی در گوشه و کنار این کشور برگزار شد. فعالین "سازمان رهایی زن" نیز با فعالین "سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان)" همراه شدند و در آکسیون اعتراضی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران شرکت کردند.

در این آکسیون افرادی از گروه ها و گرایشات متفاوت و افراد مستقل - اعم از ایرانی و غیر ایرانی - حضور داشتند. چند نفر از حاضرین به نشانه ی همبستگی با زنان شجاع داخل ایران، به صورت نمادین روسری هایی را بر سر چوب کرده و آنها را به آتش کشیدند. در ادامه افرادی به ایراد سخنرانی به زبانهای انگلیسی، هلندی، فرانسوی و فارسی پرداختند و بیانیه های سازمان ها و احزاب متبوعشان را خواندند. رفیق سعید از سازمان رهایی زن نیز بیانیه ی این سازمان را قرائت کرد. این مراسم با سر دادن شعارهایی در راستای

حمایت از حقوق زنان و ضدیت با نظام دیکتاتوری مردسالار جمهوری اسلامی پایان یافت.

افراد حاضر در این آکسیون سپس به راهپیمایی گسترده ای پیوستند که از دانشگاه بروکسل به سمت مرکز شهر در جریان بود. در این راهپیمایی که از خیابان ها و کوچه پس کوچه های بروکسل می گذشت، فعالین سازمانها به پخش اعلامیه ی سازمانهای مختلف و سر دادن شعار پرداختند.

در پایان، راهپیمایان با پیوستن به مردم حاضر در ایستگاه سنترال (مرکزی) بروکسل و سر دادن شعارهای مترقی و پیشرو، به کار خود پایان دادند.



گزارش هشت مارس ۲۰۱۸ - آلمان شتوتگارت گزارش از: شراره رضائی

امروز 8 مارس روز جهانی زن با شرکت گسترده گروه ها و کانون های مختلف فعالین حقوق زنان انجام شد. 8 مارس امسال نسبت به سال های گذشته باتوجه به شرایط خاص ایران و اعتراضات گسترده و جسورانه "دختران انقلاب" علیه حجاب و دستگیری های گسترده مردم جان به لب رسیده ای خواهان سرنگونی رژیم مرتجع دست به تظاهرات در تمام شهرها زدند، رنگ و بوی دیگری داشت. در شهر شتوتگارت آلمان سازمان رهایی زن در حمایت از اعتراضات دختران انقلاب، تئاتری در همین راستا اجرا کرد که مورد استقبال حضار قرار گرفت. همچنین نقاشی هایی که توسط مریم رضائی علیه حجاب اجباری کشیده شده بود و همچنین شعر بنام "شروع انقلاب" که توسط مهران رضائی سروده و اجرا شد که مورد تشویق حاضرین قرار گرفته شد.



**شعر: "شروع انقلاب"**  
شعر از: مهران رضائی گیوی

شروع انقلابی جدید در سرزمین پدری  
حقوق بشر مسخره، تبرئه سعید طوسی حشری،  
پرت دختر از سکوی خیابان های انقلاب  
باتوم و شکنجه و شیب سکوها نکرد اثری،  
زنان از ۱۰ تا ۸۰ سال همه نیزه علم کردند  
پیام را فریاد می کشد روی نیزه یک روسری،  
دیگر نه فقط چهارشنبه ها سفید است  
هر هفت روز هفته شدند سر تیتر مجلات خبری،  
دیگر سکو و چوب و تخته لازم نیست  
ما بر دوش همیم و نیزه به سمت قلب رهبری،  
کبک های عمامه به سرقايم شدند  
پشت بازی ه رسانه های احد بوق و قجری،  
دلچکان همیشه در صحنه باز هستند  
تا آنجا که مثل شیر در چاه هایشان بپری،  
اما نه، نه این بار و نه بار های دیگر  
که امروز جنگ نان است و فقر و دربدری،  
ما امروز پیروز خواهیم شد  
ما همیشه پیروز خواهیم بود







# تحمل حجاب اجباری، بروکی و اسارت است

## نشریه سازمان رهایی زن شماره 63

گزارش تصویری هشت مارس ۲۰۱۸ - سوید/ یوتوبوری گزارش از: سحرصامت



فراندم در خیزش دیمه انجام شد، زنده باد هشت مارس روز.... ادامه ی صفحه ی 11

جا علیه پرداخت نکردن دستمزد ها و حقوق کارگران به حرکت در آمده همان شبکه وسیعی که هر روز که کوچکترین تعرضی به کسی می کنند وسیعا خودش را نشان می دهد اینها در اختیار جنبش برابری زن و مرد و جنبش طبقه کارگر می تواند برای هشت مارس استفاده بکند و مطمئن هستم که بهترین اشکال و بهترین نحوه استفاده از امکانات را خود رهبران محلی، خود دست اندرکاران، فعالین و سازماندهندگان اعتراضات درمحل، به بهترین وجهی تامین بکنند. تاکید من فاصله گرفتن و زدن مهر خود بر جنبش خود ماست این جنبش ماست. جنبش اصلاح قانون اساسی نیست جنبش این رگه از تبیین آیت الله فلان و فلان در مورد اینکه حجاب توی قانون اساسی هست و یا نیست و یا این ترهات نیست باید همه مطالبات رادیکال و ماکسیمال را به جنبش خودش وصل کرد این جنبشی است که نباید آنها پرچم خودشان را به آن تحمیل بکنند و این کار فعالین چپ و سوسیالیست رادیکال و جنبش زنان است.

با تشکر از **کامیل همتی** برای پیاده کردن متن مصاحبه تلویزیونی رهائی زن با ثریا شهابی

است. از مخالفت با حجاب و جداسازی در منزل و مدرسه و جامعه و قوانین اسلامی در خانواده و مجازات های اسلامی تا بیمه بیکاری نه فقط برای زنان خانه دار که برای همه زنان و برای همه مردم آمده به کار مستقل از ملیت، جنسیت، گرایش جنسی، نژاد، محل تولد، رنگ پوست و مذهب و اعتقادات است. اینها مطالبات طبقه کارگر است به نظر من فعالین جنبش کامل برابری زن و مرد برای تحمیل خواسته هایشان در ایران خودشان بهترین فرصت و اشکال را پیدا می کنند، توی محل بهترین راه را پیدا می کنند بهترین راه را اتخاذ می کنند ابتکارات و خلاقیت و ظرفیت شبکه های وسیع اجتماعی که توی جامعه ایران وجود دارد امکانات زیادی در اختیار فعالین جنبش برابری زن و مرد توی هشت مارس امسال می گذارد، از این امکانات باید استفاده کرد همان شبکه ای که کمک رسانی به زلزله زدگان را فراهم کرد، همان شبکه خبری وسیعی که فعالین را از زندان بیرون کشید و علیه دستگیری ها تحرکی به راه انداخت همان شبکه های وسیعی که هر روز از یک

برابر، آزادخواهانه، چپ، کارگری و سوسیالیستی است. این حرکت ها در مقابل آن است، بیشتر از آن دارند می ترسند تا بقای رژیم. اگر بشان بگویی جمهوری اسلامی همینطوری می ماند کاری ندارند و اگر بتوانند همینطوری نگهش دارند تا اینکه ببینند چه شانس هایی باز می شود یک شانس که ممکن است برای جمهوری اسلامی باز بشود ترکات نظامی جایی راه بیفتد یک نانی توی سفره شان بیفتد مانند جنگ ایران و عراق. که بتواند یک فرصت دیگری بهشان بدهد که راه فراری از این بن بست پیدا بکنند وگرنه راه فراری ندارند جنبش محرومین جنبش احقاق حقوق زنان، حکومت را از این نظر به بن بست کشانده و توی شرایط بسیار ضعیفی قرارش داده است. این سیر می تواند با پیروزی جنبش محرومین با چپ و رادیکالیسم سوسیالیستی به پیروزی برسد با این طرح های فراندم چی می تواند که خون بپاشد به آن، می تواند قیچی اش بکنند و یا آن رابه سکوت و سرکوب بکشانند یا می توانند شرایطی را آماده بکنند که یک عملیات نظامی از یک جایی بیاید و بالاخره یک جنگ ایران و عراق دیگری راه بیاندازند و اگر بتوانند و اگر معادلات بین المللی کمک بکند بعید است که بتوانند، بسیار بعید است بتوانند جان سالم بدر ببرند. شانس ها و فرصت ها و امیدواری ها و پیشروی های زیادی در راه است و من فکر می کنم چپ و جنبش کارگری در موقعیت بهتری از راستها قرار دارد منتها طبعا تریبون و رسانه ها و دول غربی ووزارت های خارجه و داخل و خارج و آقای پهلوی و آقای شریعتمداری، همه اینها شال و کلاه کردند که تو یک جنبش، اینها همه طرحهای مختلف یک جنبش است که در مقابل تحرک از پایین صف ببندند.

**مینو همتی:** بنظر شما فعالین حقوق زنان در راه پیوند هرچه بیشتر بخش روشنفکری جنبش رهائی زن با بخش کارگری آن چه اقداماتی را میتوانند در دستور خود بگذارند از قبیل مطالبه مزدبرابر برای کار برابر، بیمه بیکاری برای زنان خانه دار آمده بکار، برپائی جشن روز جهانی زن در محلات کارگری، برپائی نمایشهای خیابانی و غیره.

**ثریا شهابی:** به نظر من مطالبات آزادی و برابری زنان، مطالبات طبقه کارگر است مطالبات رهائی زنان، مطالبات طبقه کارگر



**خشونت بر زنان چرا و تا کی ???**  
اصغر کامروا



یکی از بارزترین انواع خشونت علیه زنان، خشونت فیزیکی است. خصوصاً در اجتماع ما که هر هفته از بدبختیهای زنان، از اعضای بریده شده و بدنهای شکنجه شده شان میشنویم. این خشونت بیش از هر نوع دیگر در ذهن های ما حک شده و از جمله شدیدترین و شایعترین انواع خشونت نیز محسوب میشود. براساس معیار بخش زنان ملل متحد، در سراسر جهان از هر سه زن یکی مورد خشونت فیزیکی و جنسی قرار گرفته است.

بدون شک خشونت فیزیکی یکی از آشکارترین و خطرناکترین نوع خشونت علیه زنان است و به گونه های متفاوت در اجتماع وجود دارد. خشونت فیزیکی میتواند شدید و یا خفیف باشد. آثار و علایم آن گاهی قابل دید و گاهی غیر قابل دید باشد. علاوه بر تاثیرات فیزیکی آن، خشونت جسمی علیه زنان پیامدهای ناگوار روانی و اثرات منفی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان نیز دارد. خشونت فیزیکی اکثراً باعث انزوا، افسردگی، ترس و خستگی روانی و عاطفی میشود.

در افغانستان، اما، با وجود فراگیر بودن خشونت علیه زنان و دختران، براساس آمار وزارت امور زنان، فقط ده درصد قضایای خشونت در محاکم مورد پیگیری قرار میگیرند. خشونت علیه زنان فقط به کتک زدن و تنبیه های جسمی گفته نمیشود. کلمات توهین آمیز، شک، بدبینی که در جماعت مردانه آن را خوش غیرتی میدانند همان خشونت است که بر زنان به اصطلاح مردان، «ضعیفه»

اعمال میشود و هیچگاه هیچکس نمیفهمد این زن از چه درد می کشد و چه میخواهد و چه رویاهایی در سر دارد. بخش اعظم جامعه را زنانی تشکیل داده اند که هیچ از خود و حقوقشان نمی دانند و زن خوب بودن را در کدبانو بودن، شستن، رفتن، پختن و بچه داری می دانند و دلشان خوش است چه موجودات از خود گذشته و پاکی هستند و بهشت زیر پای آنها است. خشونت علیه زنان یکی از گسترده ترین نوع تخطی های حقوق بشر به شمار میرود. در بیشتر نقاط جهان خشونت علیه زنان و دختران به بهانه ی عرف و فرهنگ مورد تحمل و چشم پوشی قرار میگیرد. خشونت علیه زنان پدیده های جدید نیست، اما در این اواخر اجتماعات بیش از قبل به این مشکل می پردازند و فعالیتهای زیادی برای مبارزه با آن به وجود آمده است. خشونت های فیزیکی ممکن است باعث معلولیت های جسمی و مشکلات روانی شوند اما خشونت های روانی نیز باعث مفوج شدن روان زنان، خانواده ها و جامعه می شوند.

در سالهای اخیر در دنیا تا حدی سعی بر بهتر شدن وضعیت زنان در خانواده و اجتماع شده است ولی همچنان در بسیاری از شهرهای کوچک و روستاها بخاطر فرهنگ مردسالارانه خشونت بر علیه زنان و دختران به صورت کاملاً آشکار و بی پروا وجود دارد و حتی زنان از ابتدایی ترین حقوق خود بی اطلاع و بی بهره هستند. هر چند تشکل هایی در تلاش اند تا شرایط سخت و مشقت بار زنان را اطلاع رسانی و اعتراض کنند ولی کافی نیست.

هر روز خبرهای بسیاری مبنی بر ستگیری و شکنجه و توهین در راس بره های به چشم می خورد ولی در شعارهای دهن پر کن و فریب دهنده زمان انتخابات و سایر مسایل سیاسی که خواهان رای و اعتماد از طرف جامعه هستند از زنان بعنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت و اهداف سیاسی و دست یافتن به پست و مقام فردی استفاده می کنند و وقتی خود در راس قانونی قرار می گیرد که زن ستیز ترین قوانین را علیه زنان تصویب می کند.

تنها راه حل رهایی از بند این همه ظلم و ستم و شکنجه اطلاع رسانی و راهنمایی زنان جامعه با استفاده از راه اندازی تشکل ها و کانون های رادیکال زنان پیشرو و جلسات آگاهی زنان به حقوق و احترام به خود و تشویق آنها به فراگیری علم و مطالعه میباشد.

**به امیدی فرارسیدن روزهای زیبای آزادی و برابری**



**گلی ابراهیمی با عشق به آزادی از میان ما رفت!**

**گلی ابراهیمی چه ناباورانه از میان ما رفت!**

باور نمی کند، دل من مرگ خویش را نه، نه من این یقین را باور نمی کنم تا همدم من است، نفس های زندگی من با خیال مرگ دمی سر نمی کنم آخر چگونه گل، خس و خاشاک می شود؟ آخر چگونه، این همه رویای نو نهال نگشوده گل هنوز ننشسته در بهار می پژمرد به جان من و، خاک می شود؟

تا دوست داری ام  
تا دوست دارم

تا اشک ما به گونه هم می چکد ز مهر تا هست در زمانه یکی، جان دوستدار کی مرگ می تواند

نام مرا بروید از یاد روزگار؟

بسیار گل که از کف من برده است باد

اما من غمین

گلگهای یاد کس را پرپر نمی کنم

من مرگ هیچ عزیز را

باور نمی کنم

سیاوش کسرای

با تاسف و اندوه فراوان، خانم گلی ابراهیمی، یکی از زنان آزادی خواه و جسور که در سال ۸۸ از همراهان مادران پارک لاله نیز بود، پس از چندین ماه مبارزه با سرطان خون، در غروب سه شنبه ۲۲ اسفند، ناباورانه از میان ما رفت.

او زنی مقاوم و پرتوان بود و همواره به دیگران امید به زندگی می داد و شادی می بخشید، ولی از آزادی کشی های حکومت رنج بسیاری برد و آرزوی ایرانی آباد و آزاد داشت.

ما مادران پارک لاله ایران، از صمیم قلب به خانواده محترم و عاشق او و تمامی آزادی خواهان ایران تسلیت می گوئیم و خود را شریک غم شان می دانیم.

مادران پارک لاله ایران ۲۳ اسفند ۱۳۹۶

**با سپاس از ارسال مطلب برای درج در ماهنامه رهائی زن توجه شما را به نکات زیر جلب مینمایم**

سیاست ماهنامه رهائی زن در قبال مقالات و مطالب دریافتی به قرار زیر است:

1. صرفا مطالب و مقالاتی برای درج در نشریه بررسی میشوند که بنحوی به مسئله بیحقوقی و مبارزات زنان و کودکان مرتبط باشد.
  2. فقط مقالات آرژینال برای انتشار پذیرفته میشوند و نویسنده متعهد میشود تا پس از انتشار نشریه، مطلب مورد نظر را در سایت ها و یا نشریه های دیگری به چاپ نرساند.
  3. انعکاس مطالب و مقالات در سایتها یا نشریات دیگر صرفا با ذکر ماخذ . نویسنده مقالات نیز شامل این تعهد می شود.
  4. از آنجا که نشریه رهائی زن مستقل و در راستای آزادی و رهائی و برابری است و برای آزادی و رهائی هر انسانی تلاش می کند. چاپ مقالاتی که تبلیغ مذهب، ملیت ، قومیت را می کند . در نشریه منتشر نخواهد شد.
  5. مقالات دریافتی نباید از یک صفحه A4 با فونت 12 کمتر باشند و نباید بیشتر از 3 صفحه باشد.
  6. مطالب و نوشتارها تنها در فرمات مایکروسافت وورد Word پذیرفته میشوند.
  7. نشریه رهائی زن بنا به تشخیص خویش مقالات و مطالب منتشره دیگر رسانه ها را با ذکر ماخذ منتشر خواهد کرد.
  8. به دلایل محدودیت صفحات نشریه، مطالب ارسالی بنا به تشخیص اولویت بندی خواهد شد و در مطالبی رسیده باقی مانده در نشریه شماره های بعدی چاپ خواهد شد.
- با سپاس از مشارکت شما در غنی بخشیدن به ماهنامه رهائی زن

مدیر مسئول نشریه

سردبیر

شراره رضائی

مینو همتی

**یونیسف: کوبا قهرمان حقوق کودکان** منبع: تلهسور

«صندوق کودکان سازمان ملل «یا یونیسف، کوبا را «قهرمان حقوق کودکان» اعلام کرده است ماریا کریستینا پرسبول، سرپرست منطقه‌ای یونیسف برای آمریکای لاتین و کارائیب گفت الگوی نمونه کوبا برای آموزش ابتدایی-«کودک خود را آموزش دهید» (Educa a Tu Hij) از جانب بسیاری از ملت‌های دیگر اقتباس می‌شود. پرسبول که در جریان سفر اخیر خود به کوبا سخن می‌گفت، همچنین اهمیت پیشرفت‌های کشور در زمینه بهداشت را برجسته ساخت. کوبا اولین کشوری بود که در سال ۲۰۱۵ در جهت محور انتقال ایدز و ویروس آن از مادر به جنین کار کرد. سیاست‌های بهداشت و آموزش هسته برنامه‌های سوسیالیستی کوبا را تشکیل می‌دهند. کوبا ۲۶ سال پیش برنامه اجتماعی متمرکز بر بهروزی کودکان را آغاز کرد. یونیسف در منطقه با دولت در این برنامه‌های اجتماعی همکاری می‌کند. ابتکار «کودک خود را آموزش دهید» نقش خانواده و محله را در سال‌های تکوینی کودک ارتقاء می‌دهد. دولت از طریق این برنامه متدولوژی‌های مشارکتی و تعهد اجتماعی در عرصه رشد کودک را در اولویت قرار می‌دهد.



پرسبول افزود: «دولت یک مکانیسم برای جوامع مستقر کرده که نه فقط با شرایط اضطراری، بلکه با دیگر پدیده‌ها نیز به نحو کارآمد، حرفه‌ای و سریع برخورد می‌کند. ما با سپاسگزاری اعلام می‌کنیم که این مکانیسم شامل آموزش کودک، محور انتقال عمودی ویروس ایدز و جلوگیری از حاملگی نوجوانان می‌شود. قهرمان، قهرمان، قهرمان!»

طبق گزارش ۲۰۱۶ یونیسف که بر آمارهای رسمی وزارت آموزش قرار دارد، «بیش از ۸۵۵ هزار کودک زیر شش سال در کوبا وجود دارد، که ۹۹٫۵ درصد آن‌ها در برنامه یا مؤسسه آموزش ابتدایی کودک ثبت‌نام کرده اند.» گزارش می‌افزاید: «کوبا یک رویکرد همه‌جانبه به رشد اولیه کودک در پیش گرفته که یک نظام خدمات یکپارچه را با هدف ارتقای بهترین آغاز در زندگی برای همه کودکان و حداکثر کردن رشد پتانسل هر کودک، در اختیار کودکان و خانواده‌های آن‌ها قرار می‌دهد.»

پرسبول همچنین اشاره کرد که جوامع نقش مهمی در «کار فروتنانه در زمینه‌های که کمبود وجود دارد» ایفا می‌کنند و افزود که علیه خشونت جنسیتی در منطقه هنوز باید کار شود. مقام بلندپایه سازمان ملل افزود: «فدراسیون زنان کوبا شدیداً سخت‌گیر است، اما ما می‌دانیم در فضاهای اجتماعی امکان بروز خشونت وجود دارد و بر ریشه‌کن ساختن همه نوع بدرفتاری با کودک در جوامع و مؤسسات تأکید کرده ایم.»

<https://www.telesurtv.net/english/news/Cuba-a-Champion-of-Childrens-Rights-UNICEF-20180312-0011.html>

**دهها دختر عفرینی از سوی ارتش ترک ربوده شده و مورد تجاوز قرار گرفته‌اند**

یکی از مادران در شهر اشغالی عفرین که به دنبال دختر ۱۴ ساله خود می‌گردد عنوان کرد که ارتش ترکیه دهها دختر را به گروگان گرفته و به آنان تجاوز کرده‌اند



دولت ترکیه و تبهکاران وی به جنایت جنگی علیه زنان و دختران عفرینی روی آورده‌اند. یکی از مادران که دنبال دختر ۱۴ ساله خود می‌گردد اعلام کرد: «آنچه در شنگال روی داد هم اکنون در عفرین روی می‌دهد. جهانیان لازم است که بی‌شرفی را ببینند.»

حملات وحشیانه رژیم ترک و تبهکاران همکار وی به عفرین دو ماه را پشت سر گذاشت. رژیم ترکیه و عناصر تبهکار وی خواهان تخلیه منطقه از ساکنان کرد هستند و در این راستا از هیچ عمل سیخی چشمپوشی نمی‌کنند. گزارش‌ها حاکی از تلاش رژیم ترک برای امحای هویت کردی عفرین است. تاراج خانه‌ها، قتل مردم و بتازگی هم تجاوز به زنان.

رژیم ترکیه و داعش همچنان که در اواسط ۲۰۱۴ در حمله به شنگال زنان ایزدی را به اسارت گرفته و آنان را مورد تجاوز قرار دادند اینبار زنان و دختران عفرین را هدف حملات وحشیانه قرار داده و به آنان تجاوز کرده‌اند.

دختران را ربودند و به آنان تجاوز کردند

طبق اطلاعات کسب شده نظامیان ترک روز ۱۸ مارس شهر عفرین را اشغال کرده و تاکنون تعدادی زیادی از دختران و زنان را ربوده‌اند. زنان و دختران به گروگان گرفته شده را به خانه‌ای در محله ولایت در مرکز شهر منتقل کرده و در این خانه‌ها مداوماً به آنان تجاوز جنسی کرده‌اند.

شاهدان تأیید کردند یکی از ساکنان محله محمودیه عفرین که نخوست نامش فاش شود گفت: «از روزی که شهر را به اشغال در آورده‌اند به خانه ما یورش می‌کنند و لوازم ما را می‌زدند. هر آنچه را که به چشم آمد از خانه ما خارج کرده و با کامیون از شهر خارج کردند. سپس خانه به خانه شهر را گشتند. ساکنان را گردهم آورده و مردها را از زنان جدا کردند. مردها را به محله‌ای بردند و زنان را به محله دیگر. صدای فریاد زنان به گوش ما می‌رسید. نمی‌دانم چه بلایی سر آنان می‌آوردند، ما مردها را شکنجه کردند و گفتند: «از تروریست‌ها حمایت می‌کنید. ما هم مال و زنان شما را تصاحب می‌کنیم.»

پس از دو روز ما را تشنه و گرسنه آزاد کردند. اما دختران و زنان را نگه داشتند. آنان را به منطقه دیگری منتقل کردند. ما نمی‌دانیم الان در کجا نگهداری می‌شوند. در میان آنان دو دختر ۱۴ و ۱۵ ساله من هم هستند.

پس از تحقیق از سرنوشت دختران خود مطلع شد

این شاهد از ۲۲ مارس از سرنوشت دختران خود به نامهای ف.ا و ه.ا اطلاعی ندارد. مادر ه.ا در تلفن به ما گفت: «روزانه تلاش می‌کنند تا سرنخی از سرنوشت دختران خود بیابند. در حین تلاش برای کسب آگاهی با خانواده‌های فراوانی روبرو شده‌اند که آنان هم دختران خود را گم کرده‌اند. «این مادر می‌افزاید: «زنان نمی‌توانند براحتی از خانه خارج شوند بهمین دلیل مجبور به سر کردن چاره‌های سیاه شده‌اند. تلاش برای پیدا کردن سرنخی از سرنوشت دخترانم مرا با خانواده‌های دیگری آشنا کرد که دختران آنان هم ربوده شده‌اند. تاکنون ۱۵ خانواده را می‌شناسم که دخترانشان ربوده شده‌اند. میانگین عمر آنان ۱۴ تا ۲۰ سال است و این آمار تنها مختص به محله ماست. نمی‌توانیم از محله‌های دیگر خبری بگیریم.»

عملکرد داعش در شنگال اکنون در عفرین تکرار می‌شود طبق اطلاعات کسب شده از یکی از خانواده‌های عرب که رابطه خوبی با سربازان ترک و تبهکاران دارند به یکی از مادران گفته‌اند: «زنان و دختران ربوده شده را در خانه‌هایی در محله ولایت نگهداری می‌کند. خانه‌های این محله را غصب کرده‌اند و اجازه نمی‌دهند کسی به این خانه‌ها نزدیک شود. داعش در شنگال چگونه رفتار کرد در عفرین هم همان روند تکرار می‌شود. کودکان ما را به گروگان گرفته و به آنان تجاوز می‌کنند. جهانیان باید جلوی این بی‌شرفی بایستند.»

گشت‌زنی در محله‌های عفرین و ربودن دختران ادامه دارد سخنان یک شهروند عرب، جنایت‌های جنگی ارتش ترک و تبهکاران وی را تأیید می‌کند: «یکی از سرکرده‌های گرو هک تبهکار موسوم به حمزه که وابسته به ارتش ترکیه است، کوچه به کوچه به دنبال دختران جوان می‌گردد و آنان را با خود می‌برد. این دختران را به خانه‌های محله ولایت می‌برند و در آنجا این کودکان را به افسران ترک و عناصر تبهکار می‌دهند.»

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می

توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.de/>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.de/>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv/>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

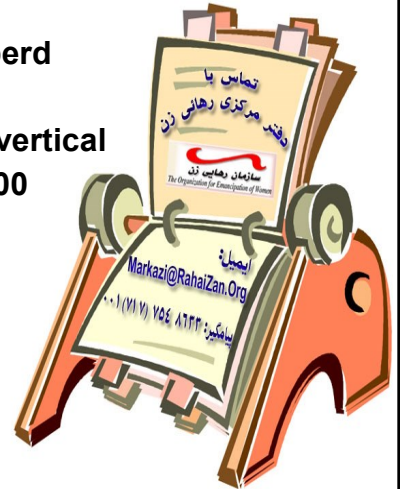
تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "تت برد" هر هفته

دو شنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به

وقت تهران می توانید پهنده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd  
HoT BIRD  
Frequency 11541 vertical  
Symbol Rate: 22000  
Pol V  
FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: [verya.1360@gmail.com](mailto:verya.1360@gmail.com)

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 004915226282583

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)